



ایستادگی مقابل جنگ روانی
سخنان رهبر انقلاب



سنت کابینه چینی
دفاع خاتمی از کابینه پزشکیان



دفاع مرندي از ظرفرقدی
کمک به وزیر پیشنهادی بهداشت



پیدا و پنهان گزینه پیشنهادی وزارت اقتصاد

گلدیاتور تنرها

عبدالناصر همتی در سه سال گذشته عافیت طلبی نکرد و به نقد وضعیت موجود و پیشنهاد برای اصلاح معیشت مردم پرداخت. اکنون باید دید او چه برنامه‌ای برای سکنداری اقتصاد ایران دارد و آیا می‌تواند به راحتی از سد مجلس اصولگرا عبور کند؟

سعید خوشبین
خبرنگار سازندگی

سیاستمداری که سه سال پیش داعیه ریاست جمهوری داشت و سه سال بی‌وقفه مشغول انتقاد از دولت سیزدهم بود، گزینه پیشنهادی رئیس‌جمهور برای تصدی وزارت امور اقتصادی و دارایی است و شاید همین روزها کلید ورود به عمارت تاریخی باب‌هایون را از مجلس تحویل بگیرد. اگر همه چیز خوب پیش برود، عبدالناصر همتی به زودی سکندار وزارتخانه‌ای می‌شود که بزرگانی چون هوشنگ انصاری، محمد یگانه، محسن نوریخس و داود دانش جعفری سال‌ها کلیددار آن بوده‌اند. وزارتخانه‌ای که متصدی اصلی تنظیم سیاست‌های اقتصادی و مالی و سیاست‌های مالیاتی است. وزارتخانه‌ای که دولتی درون دولت محسوب می‌شود و وزیر آن نقشی کلیدی در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور دارد.

ادامه در صفحه ۸



مسیر سخت میراث

درباره سیدرضا صالحی امیری و چالش‌هایی که در وزارتخانه میراث فرهنگی و گردشگری با آنها روبه‌رو است



یادداشت روز

اثرگذاری ظریف

حضور محمدجواد ظریف در داخل و خارج دولت چه تفاوت‌هایی دارد؟



سیدجلال ساداتیان
دیپلمات پیشین

بدون شک زحمات محمدجواد ظریف در چند ماه گذشته همچنین تلاش او در قالب شورای راهبری برای کسی پوشیده نیست. زمانی که فهرست کابینه چهاردهم تکمیل و منتشر شد به نوعی ما شاهد آن بودیم که اقدامات ایشان در عمل به نتیجه کمی رسید. ظریف در این چند ماه با پای مسعود پزشکیان به فعالیت خود ادامه داد اما به هر صورت کنار کشید تا به همه بگوید تا آخرین دقیقه تلاش کرد تا بتواند تحول جدی ایجاد کند. اگر محمدجواد ظریف درون دولت چهاردهم باقی بماند و قرار باشد که هر دم با مشکلات و سنگ‌اندازی‌های گوناگون روبه‌رو شود، اساساً دیگر نمی‌تواند در جایگاه خود منشأ اثر مثبت باشد و عملاً توصیه‌های وی را نادیده می‌گیرند. اگر ضمانت اجرایی در این خصوص وجود داشته باشد بدون شک او می‌تواند در داخل دولت اثرگذاری مثبت داشته باشد اما به دلیل برخی شرایط و دشمنی‌های بی‌حساب و کتابی که از سوی بعضی از جریان‌ها و افراد علیه ایشان رخ داده، بدون شک هیچ خروجی مفیدی به عمل نخواهد آمد. اخیراً زمانی که سیدعباس عراقچی به‌عنوان گزینه پیشنهادی برای اداره وزارت خارجه در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی برنامه‌های خود را مطرح کرد به گونه‌ای با وی برخورد شده که گویی جلسه تفتیش عقاید است و در این جلسه موضوع «باند نیویورکی‌ها» مطرح شده و در این راستا به ظریف اشاره شده است. باید دانست که عملاً ما چیزی به عنوان باند نیویورکی‌ها نداریم و انتصاب چنین واژه‌هایی به دیپلمات‌های کشورمان درست نیست. واقعیت این است که در دوران مرحوم رجایی خراسانی که ایشان نماینده ایران در سازمان ملل متحد بودند به تعدادی از دیپلمات‌های کشورمان مأموریت‌هایی داده شد و به آمریکا رفتند و حالا جماعتی در کشور به آنها باند نیویورکی‌ها می‌گویند که نشان‌دهنده یک کینه مشخص است. این کینه از سوی کسانی است که منافع‌شان با حضور محمدجواد ظریف در دولت چهاردهم به خطر افتاده و عملاً این عده همان‌هایی هستند که کاسیان تحریم نام دارند. آنها بر این عقیده هستند که اگر روابط ایران با دنیا به ویژه غرب ترمیم شود و تنش‌ها کاهش پیدا کند منافع‌شان به خطر خواهد افتاد و برای آنها منافع ملی و منافع ملت هیچ اهمیتی ندارد. همین طیف، فشارها و مخالفت‌های جدی را سر راه دکتر پزشکیان قرار دادند و نمی‌گذارند که این روند به صورت عادی طی شود. در این فضا دکتر ظریف اعلام کرده‌اند که در خارج از دولت به کمک آقای پزشکیان خواهد آمد و هر زمان که نیاز بود ایشان مشاوره‌هایی را به دولت ارائه می‌کند تا دولت از آن استفاده کند. به نظرم در این وضعیت میزان اثرگذاری دکتر ظریف کمتر خواهد بود و از سوی دیگر فشارهای بیرونی هم بر دکتر پزشکیان کمتر خواهد شد اما تاکید نهایی بر این است که از محمدجواد ظریف باید در داخل دولت استفاده شود تا تاثیرگذاری مثبت را به صورت مستقیم شاهد باشیم. اینکه مسائلی در مورد ظریف و تابعیت فرزند ایشان مطرح شود و به این دلیل او را کنار بگذارند یک مساله نادرست است و اگر قرار بر اجرا یا اعمال چنین نظراتی باشد باید خانم آنسیه خزعلی که در دولت سیزدهم معاونت زنان رئیس‌جمهور را به عهده داشتند هم به دلیل تابعیت فرزندانش از کار برکنار می‌کردند که این اتفاق رخ نداد و ایشان تا روز آخر در دولت سیزدهم حاضر بودند. گفته می‌شود که دکتر پزشکیان استعفای محمدجواد ظریف را نپذیرفته اما بحث اینجاست که مسائلی مانند مغایرت قانونی را مطرح می‌کنند که به نظرم هیچ مغایرت قانونی در مورد آقای ظریف وجود ندارد. آنچه که دلیل اصلی عدم حضور او در دولت به حساب می‌آید، فشارهای سیاسی است. شخصیت و درایت ایشان به خصوص در حوزه سیاست خارجی بی‌بدیل بوده و هست و در بعد سیاست داخلی هم شاهد آن بودیم که با تمام ظرفیت خود وارد میدان شد. بر همین اساس اگر در کنار آقای دکتر پزشکیان بماند، بدون شک اثرگذاری زیادی به خصوص در سیاست خارجی و گشایش‌های بین‌المللی خواهد داشت.

رهنمود

رهبر انقلاب در دیدار اعضای ستاد کنگره ملی شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد تاکید کردند:

ایستادگی
مقابل جنگ روانی



رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر روز گذشته در دیدار دست‌اندرکاران ستاد کنگره ملی شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد با اشاره به ترفند بدخواهان ایران در ایجاد جنگ روانی و ترس برای به عقب‌نشینی واداشتن ملت ایران در عرصه‌های گوناگون، شناخت توانایی‌های خود و پرهیز از بزرگ‌نمایی توان بدخواهان را راه مقابله با این ترفند خواندند و گفتند: شهیدان با فداکاری و مجاهدت خود در مقابل این جنگ روانی ایستادگی کردند و آن را خنثی کردند. در بزرگداشت آنها نیز باید این حقیقت را برجسته کرد و زنده نگه داشت.

آیت‌الله خامنه‌ای یکی از پایه‌های اصلی جنگ روانی علیه ملت عزیز و ایران اسلامی را بزرگ‌نمایی از توانایی‌های دشمنان خواندند و گفتند: از ابتدای پیروزی انقلاب آنها به شیوه‌های مختلف به ملت ما تفهیم و القا می‌کردند که باید از آمریکا، انگلیس و صهیونیست‌ها ترسید.

ایشان هنر بزرگ امام (ره) را بیرون راندن ترس از دل‌های ملت و خودباوری و اعتمادبه‌نفس دادن به آنها دانستند و افزودند: ملت ما احساس کرد که با اتکا به نیرو و توان درونی خود قادر به انجام کارهای بزرگ است و دست دشمن آنچنان که وانمود می‌کند، پُر نیست.

رهبر انقلاب اسلامی هدف دشمن از جنگ روانی در عرصه نظامی را ایجاد ترس و عقب‌نشینی خواندند و گفتند: به تعبیر قرآن کریم، عقب‌نشینی غیرتاکتیکی در هر میدانی چه عرصه نظامی و چه میدان‌های سیاسی، تبلیغاتی و اقتصادی، غضب الهی را به دنبال دارد.

ایشان احساس ضعف و انزوا و تسلیم شدن در مقابل خواسته‌های دشمن را از آثار بزرگ‌نمایی توان آن در عرصه سیاسی دانستند و افزودند: دولت‌هایی که با ملت‌های بزرگ و کوچک امروز در مقابل خواسته‌های مستکبران تسلیم هستند، اگر به ملت‌ها و توانایی‌های خود تکیه کنند و واقعیت توان دشمن را به دور از بزرگ‌نمایی بشناسند، می‌توانند به خواسته‌های آنها «چشم» نگویند.

آیت‌الله خامنه‌ای، نتیجه بزرگ‌نمایی دشمن در میدان فرهنگ را نیز احساس انفعال، مجذوب فرهنگ دشمن شدن و تحقیر فرهنگ خود، خواندند و گفتند: نتیجه چنین انفعالی، قبول سبک زندگی طرف مقابل و حتی استفاده از واژگان و تعابیر بیگانه است.

رهبر انقلاب، شهدا و مجاهدان را عناصر ایستاده در مقابل جنگ روانی دشمن برشمردند و افزودند: باید از جوانانی که بدون احساس ترس و تاثیرپذیری از سخنان دیگران در مقابل جنگ روانی ایستادند، قدردانی کرد و این حقیقت را باید در آثار و تولیدات هنری و بزرگداشت‌ها، مجسم کرد و زنده نگاه داشت.

ایشان با تاکید بر تولید آثار فرهنگی و هنری درباره شهدا و دفاع مقدس از جمله کتاب و فیلم به‌گونه‌ای که تاثیرات ماندگار به خصوص در سبک زندگی مخاطبان و جوانان ایجاد کند از دست‌اندرکاران برگزاری این کنگره تقدیر کردند و گفتند: شهادت و فداکاری جوانان یک ملت، ذخیره و پشتوانه بزرگی برای پیشرفت کشور است که باید حفظ و از تحریف یا فراموشی آن جلوگیری شود.



کیست و فاق ملی

پزشکیان: وفاق ملی از مولفه‌های اساسی در تهیه فهرست پیشنهادی وزرای کابینه دولت چهاردهم است. اگرچه ممکن است، فهرست وزرای پیشنهادی برای عده‌ای ایده‌آل نباشد و انتقاداتی به آن وارد کنند اما این فهرست براساس اعتقاد عمیق دولت چهاردهم به خرد جمعی، هم‌فکری و تعامل با همه جریان‌های سیاسی تهیه شده و دلیل اینکه در این فهرست حتی اسامی افرادی که در انتخابات به نامزدهای رقیب رای داده بودند نیز دیده می‌شود.



تماس پزشکیان با ظریف

محمد جواد ظریف: معاون راهبری رئیس‌جمهور که به تازگی استعفایش را اعلام کرده، نوشت: در دقایق پیش ریاست محترم جمهوری بزرگوارانه تماس گرفتند و بسیار لطف فرمودند و گفت‌وگوی صمیمانه‌ای داشتیم. همان پزشکیانی بود که با افتخار برای ایران بیه‌ارای دادیم و همان عزیز صادق، مردمی و شجاعی که هر جا که باشم از او و دولتش پشتیبانی خواهم کرد.



مهم‌ترین مزاحم دولت پزشکیان

حجت‌الله میرزایی، معاون اسبق وزیر کار: یکی از گروه‌های اصلی مزاحم در مقابل دولت پزشکیان، ذی‌نفعانی هستند که در گذشته و در بلبشوی سیاسی و اقتصادی یا تحریم‌ها و شرایط جزیره‌ای که برای اقتصاد ایران ایجاد شده، سعی کردند در طرف منافع بایستند و بالاترین منافع را هم در این سال‌ها برده‌اند. به طور قطع این گروه در مقابل هر نوع بهبود حکمرانی یا رفع تحریم‌ها مقاومت می‌کنند.

سنت کابینه‌چینی

دفاع خاتمی از کابینه پزشکیان و خاطراتی از کابینه‌های هاشمی و روحانی



گروه سیاسی: سیدمحمد خاتمی روز گذشته به تحلیل کابینه پیشنهادی مسعود پزشکیان پرداخت و حسن روحانی به این بهانه خاطرات خود را از جنبش کابینه بیان کرد. همچنین روزنوشت‌های آیت‌الله هاشمی نیز درخصوص تشکیل کابینه خواندنی است. خاتمی در واکنش به فضای سیاسی و رسانه‌ای ایجاد شده نسبت به فهرست پیشنهادی پزشکیان به مجلس، خواستار درک موقعیت پیچیده و خطیر کنونی و برخورد واقع‌بینانه و مبتنی بر اطلاعات درست و انصاف در قبال آنچه که رخ داده و رخ خواهد داد، شد. رئیس دولت اصلاحات که در جمع مشاوران خود سخن می‌گفت بر این موضوع تاکید کرد که انتخاب اعضای هیات دولت در مجموع روند قابل فهم و طبیعی داشته است. طبعاً هر کار تازه‌ای ممکن است، اشکالاتی داشته باشد و این امر نباید موجب ارزیابی‌های اشتباه و نومی‌داری شود و نباید از موضع حمایت رئیس‌جمهوری که هنوز کار خود را شروع نکرده است به وادی انتقاد سخت و مخالفت افتاد.

سیدمحمد خاتمی: همه کمک کنیم رئیس‌جمهور موفق به برآوردن خواست ملت شود / وقتی پزشکیان می‌گوید طرح نور، طرح سیاهی است طبعاً جلوی آن خواهد ایستاد / اصلاح‌طلبان و همه خیرخواهان کشور و ملت نباید مواضع اصولی خود را برای اصلاح رویه‌های غلط حکمرانی از یاد ببرند. خاتمی همچنین واکنش‌های تند را بعضاً متأثر از نارضایتی‌های انباشته شده جامعه و توقعات برآمده از انتخابات و بعضاً ناشی از برخی پیش‌دواری‌ها و ذهنیت‌های نادرست و بی‌اطلاعی از فرآیند انتخاب دانست و افزود: «اما هم ضمن تایید انتخاب‌های خوبی که شده است بر این باوریم که در بعضی موارد می‌شود خیلی بهتر عمل کرد ولی به جناب پزشکیان احترام می‌گذاریم و ایشان را صاحب حق در انتخاب همکارانشان می‌دانیم و از ایشان انتظار معجزه در هر شرایطی نداریم. طبعاً علاقمند و خواستار آن هستیم که به وعده‌هایی که داده‌اند، پای‌بند باشند و ان‌شالله چنین خواهد شد. رئیس‌جمهوری اسبق ایران تصریح کرد: وقتی ایشان می‌گوید، طرح نور، طرح سیاهی است طبعاً جلوی آن خواهد ایستاد. وقتی آنچه را بر جامعه دانشگاهی و فرهیخته می‌گذرد نمی‌پسندند، می‌کوشد آنچه درست است و مورد پسند آنان است، عملی شود. وقتی از تحقیر هنرمندان و توهین و جفا به آنها (که بسیاری از آنها از خود نهادهای رسمی فرهنگی بوده‌اند) نهاد‌های امنیتی (رنج می‌برد با آن مخالفت خواهد کرد. ایشان پای‌بند به قول و نظر خود مبنی بر رابطه و تعامل براساس مصالح ملی با دنیا و رفع تحریم‌هاست و نیز به اصلاح در عرصه اقتصادی به‌خصوص آنچه به معیشت و بهداشت و امنیت مردم مربوط می‌شود و به توسعه توأم با عدالت می‌انجامد، باور دارد لذا در عمل هم پای‌بند خواهد بود و اینها خواسته‌هایی است که باید از ایشان داشت.

به اعتقاد خاتمی دولت وفاق ملی و وحدت هم رویکرد خوبی است اما ۵۰ درصدی که در انتخابات شرکت نکردند و چندین میلیون نفری که عمدتاً از ترس اینکه زمام امور به‌دست جریانی نامطلوب برای مصالح ملی و امنیت و توسعه کشور بیفتد به ایشان رای دادند باید در امر وفاق و وحدت مورد نظر جدی باشند: نه فقط گروه‌ها و جریان‌های خاصی که پایگاه محدودی در متن جامعه دارند. وفاق ملی، ائتلاف سیاسی نیست، توجه همگانی به خواست ملت برای تغییر و اصلاح امور است. برای پیشبرد آن حاکمیت و همه جریان‌های سیاسی باید عملاً از این راهبرد حمایت کنند.



ظریف اولین وزیر قطعی روحانی

روایت حسن روحانی از انتخاب کابینه یازدهم طوری دیگری است. او در بخشی از خاطراتش می‌گوید که رهبری با شرط اینکه من خودم به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی مسئول پرونده هسته‌ای باشم، انتقال پرونده به وزارت خارجه را قبول کردند. در این جلسه رهبری درباره پیشنهاد دکتر ظریف به عنوان وزیر امور خارجه هیچ نکته انتقادی نگفتند و از ایشان تعریف هم کردند. درباره آقاسای رحمانی فضلی به عنوان وزیر کشور هم تعریف کردند و وقتی در جلسه بعدی معاونت اول آقای جهانگیری را طرح کردم هم از ایشان خیلی تعریف کردند.

به این ترتیب سه ضلع سیاسی کابینه روشن شد. اولین وزیری که قطعی کردم دکتر محمدجواد ظریف بود تا پس از تکمیل نهاد دولت، اولین برنامه سیاسی دولت هم شروع شود. پس از آن در همان روز با استحقاق جهانگیری دیدار کردم و درحالی که احتمالاً فکر می‌کرد برای وزارت صمت (صنعت، معدن و تجارت) پیشنهاد شود به او پیشنهاد معاونت اول را دادم.

در بخشی از خاطرات حسن روحانی که سایت رسمی رئیس‌جمهور پیشین کشورمان منتشر کرده، آمده است: من برای دومین بار پس از انتخابات به جلسه سران قوا دعوت شدم. جلسهای که در حضور رهبری برگزار می‌شد. ساعت ۶ بعدازظهر به جلسه رفتم و بعد از آن با محمود احمدی‌نژاد دچار مجادله شدم. محمود احمدی‌نژاد در آخرین روزهای دولت پیشنهاد کرده بود که ۱۰ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای تامین کالاهای اساسی برداشت شود. قبلاً هم رهبری این درخواست رئیس‌جمهور مستقر را به من منتقل کرده بود و من مخالفت کرده بودم.

صندوق توسعه ملی به نوعی در ادامه صندوق ذخیره ارزی کشور ناشی از پس‌انداز بخشی از درآمدهای فروش نفت بود که در دولت سیدمحمد خاتمی تاسیس شد تا درصدی از ارز حاصله از فروش نفت طبق پیش‌بینی لایحه بودجه ذخیره شود و البته در دولت دوم احمدی‌نژاد صندوق توسعه ملی تشکیل شد که وظیفه این صندوق امور توسعه‌های کشور و کمک به بخش خصوصی بود اما احمدی‌نژاد مانند خزانه و بانک مرکزی از این صندوق (توسعه ملی) هم برای مخارج دولت بهره می‌گرفت و از جمله از منابع این صندوق در پایان سال ۹۱ عیدانه‌ای برای مردم در نظر گرفته بود. حالا هم می‌خواست با ادعای تامین ذخایر کالاهای اساسی دولت را به من تحویل دهد. البته این مجوز می‌توانست به دولت من هم امکان ریخت‌وپاش بدهد، اساساً این نوع بزل و بخشش‌ها به ضرر اقتصاد کشور است.

در اینجا بود که آن مجادله سخت میان ماسا رخ داد و احمدی‌نژاد گفت، این برداشت به سود دولت من هم هست تا در اول کار با کمبود کالاهای اساسی مواجه نشود اما من نمی‌خواستم این سود به بهای زیان به اقتصاد کشور به دست آید. البته قبلاً حضور مقام رهبری مطرح کرده بودم که تصمیمات کلان که بار آن بر دوش دولت آینده خواهد بود در روزهای پایانی دولت دهم انجام نشود و ایشان هم آن را پذیرفتند لذا عملاً باب اجازه آقاسای احمدی‌نژاد از رهبری در این زمینه بسته شده بود.



عصر تکنوکرات‌ها

هاشمی در شرایط دشواری، اولین کابینه خود را در سال ۶۸ تشکیل داد که این دشواری مربوط به پایان جنگ بود. همان‌طور که دولت سوم و چهارم نیز اداره کشور را در شرایط دشواری پیش برده بود، دولت پنجم نیز که پس از پایان جنگ بر سر کار آمد، کار خود را در شرایط ویژه‌ای آغاز کرد که بدون تردید نام دولت «سازندگی» نیز بر همین اساس انتخاب شد. به عبارتی می‌توان گفت، «سازندگی» مأموریت هر دولتی است که پس از جنگ روی کار می‌آید. هاشمی‌رفسنجانی تفکر اقتصادی دولت خود را بر مبنای حضور افراد فنی و مسلط به حوزه اقتصاد یا همان «تکنوکرات‌ها» پیش برد.

حضور نوربخش در رأس وزارت اقتصاد، بیژن نامداریزنگنه در وزارت نیرو، نعمت‌زاده در وزارت صنایع، آقازاده در وزارت نفت، کلاتری در وزارت کشاورزی، محلوجی در وزارت معادن، نژادحسینیان در صنایع سنگین و وهاجی در وزارت بازرگانی، رنگ‌ویوی کابینه نخست هاشمی‌رفسنجانی را اقتصاد کرده بود. از سوی دیگر هاشمی در کابینه اول، افرادی از جناح‌بندی‌های گوناگون سیاسی را در کابینه خود وارد کرد. هرچند در آن زمان هنوز جناح‌بندی‌های سیاسی به شکل کنونی وجود نداشت. نوری، نجفی و معین حضور داشتند و از سوی دیگر ولایتی، علی لاریجانی و فلاحیان به ترتیب در پست وزیر امور خارجه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر اطلاعات قرار گرفته بودند.

از نظر اقتصادی، دولت اول هاشمی با شرایط کسری بودجه شدید نزدیک به ۵۰ درصد مواجه بود که توانست شرایط بودجه را در طول دوران ۸ ساله به توازن تبدیل کند. از سوی دیگر ترکیب بودجه و هزینه‌های دولت به نفع طرح‌ها و هزینه‌های عمرانی تغییر کرد و این مساله افتتاح و راه‌اندازی طرح‌های بزرگ عمرانی در ۸ سال ریاست‌جمهوری وی را به دنبال داشت. در مراسم تفهیم حکم ریاست‌جمهوری، یادگار امام (ره) حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی، رئیس‌جمهور منتخب را به ناچیز شمردن قدرت خود و همه قدرتمندان مادی در برابر قدرت کامله الهی، حفظ مواضع مستحکم همیشگی خود در برابر دشمنان، مخالفان و بدخواهان همچنین گزینش همکاران و مدیران با این معیارها توصیه کرد. مقام معظم رهبری نیز توجه به عدالت اجتماعی را به مسئولین دولت گوشزد کردند: «سیاست‌های اساسی در نظام اسلامی، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. فرق عمده ما با نظام‌های سرمایه‌داری همین است».

هاشمی کابینه دوم خود را با حفظ ۱۳ نفر از ۲۲ وزیر کابینه اول و تغییر ۹ وزیر تشکیل داد. آن‌طور که سایت خبری تحلیلی جوان پرس روایت می‌کند: لاریجانی که با حکم مقام معظم رهبری به عنوان رئیس صداوسیما انتخاب شده بود از وزارت فرهنگ و ارشاد کنار رفت و میرسلیم جانشین او در این سمت شد. دولت دوم هاشمی با اجماع کمتر در فضای سیاسی نسبت به دولت اول وی شکل گرفت و هاشمی‌رفسنجانی نیز در دولت دوم مانند دولت اول، سیاست توازن در کابینه و استفاده از وزن همه نیروهای سیاسی کشور را در پیش نگرفت که شاید دلیل اصلی، فعالیت مجلس چهارم با اکثریت متمایل به جناح راست از یک‌سو و فشار گروه‌های سیاسی در دوران انتخابات از سوی دیگر است. هر چه بود، در ۸ ساله ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی در شرایطی به پایان رسید که دولت وی با نقاط قوت و ضعف بسیاری همراه بود. البته این نقاط قوت و ضعف از دید افراد مختلف به شکل مختلف تحلیل می‌شود.

دیدگاه: گزارش خارجی

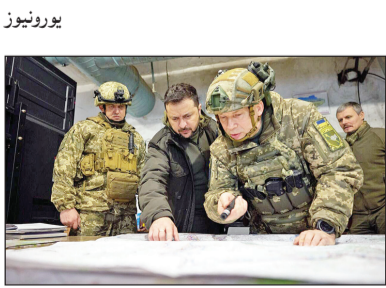
پیشروی اوکراین ۱۵۰ کیلومتر؟

ارتش اوکراین از بمباران منطقه بلگورود در مرز با روسیه خبر داد

همزمان با پیشروی ارتش اوکراین در خاک روسیه، کیف (چهارشنبه) اعلام کرد که حمله غافلگیرانه دیگری در خاک روسیه انجام داده و منطقه مرزی بلگورود را بمباران کرده است. همزمان منابع خبری ضمن اشاره به پیشرفت‌های تازه ارتش اوکراین از اعلام وضعیت اضطراری در بلگورود، شهر مرزی روسیه خبر دادند. نیروهای ارتش اوکراین سه‌شنبه گذشته در نخستین عملیات نفوذ به خاک روسیه پس از آغاز تهاجم نظامی مسکو در سال ۲۰۲۲ وارد منطقه کورسک روسیه شدند و ده‌ها شهرک و روستا را در وسعتی به ادعای کیف به وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر مربع اشغال کردند. این عملیات که اهداف آن هنوز به طور دقیق از سوی مقامات اوکراینی مشخص و اعلام نشده همچنین بزرگ‌ترین حمله یک ارتش خارجی به خاک روسیه از زمان جنگ جهانی دوم به این سو قلمداد می‌شود. الکساندر سیرسکی، فرمانده نیروی زمینی ارتش اوکراین شب گذشته در یک ارتباط تصویری با ولودیمیر زلنسکی مدعی پیشرفت‌های تازه نظامیان اوکراینی در منطقه کورسک شد. وی در این خصوص به رئیس‌جمهوری اوکراین گفت: «نیروهای ما در برخی مناطق ۱ تا ۳ کیلومتر پیشروی کرده‌اند». این فرمانده ارشد ارتش اوکراین افزود: طی روز گذشته ۴۰ کیلومتر مربع دیگر از قلمرو عملیات به تصرف آمده و ۷۴ شهرک تحت کنترل قرار گرفته است. از سوی دیگر، در پی بمباران‌های شدید منطقه بلگورود در مجاورت کورسک (چهارشنبه) در این منطقه وضعیت اضطراری اعلام شد و گفت که اوضاع در این منطقه مرزی روسیه تحت بمباران اوکراین «بسیار دشوار» است. ویاجسلاو گلاکوف، فرماندار بلگورود با انتشار مطلبی در پیام‌رسان تلگرام ضمن پیچیده و دشوار خواندن وضعیت این منطقه پس از بمباران‌های ارتش اوکراین، اعلام کرد: «وضعیت در منطقه بلگورود ما به دلیل گلوله‌باران نیروهای مسلح اوکراین بسیار دشوار و پرتش است. خانه‌ها تخریب شده‌اند، غیرنظامیان زیادی نیز کشته و زخمی شده‌اند». به گفته فرماندار بلگورود که با خارکیف در روسیه هم‌مرز است، این منطقه همچنین مورد حمله پهپادی ارتش اوکراین نیز قرار گرفته است. الکساندر سیرسکی، فرمانده نیروی زمینی ارتش اوکراین دوشنبه پس از یک هفته پیشروی و نفوذ به آن سوی مرز مدعی شده بود که نیروهای کنترل حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مربع (۳۸۶ مایل مربع) از خاک روسیه را در دست دارند. فرماندار کورسک اما دوشنبه میزان پیشروی نیروهای ارتش اوکراین به این منطقه را ۱۲ کیلومتر عنوان کرد و افزود که در این میان ۲۸ شهرک تحت تصرف نظامیان اوکراینی درآمده است. تحلیل اندیشکده‌ها از داده‌های ارائه شده توسط موسسه مطالعات جنگ (ISW) نشان می‌دهد که نیروهای اوکراینی تا دوشنبه بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع در خاک روسیه را پیشروی کرده‌اند. جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا سه‌شنبه در اولین اظهارنظر درخصوص حمله غافلگیرانه ارتش اوکراین به خاک روسیه گفت که این تهاجم ولادیمیر پوتین در معرض یک «معضل واقعی» قرار داده است. وزارت دفاع روسیه سه‌شنبه اعلام کرد که نیروهای این کشور همچنان به دفع حملات اوکراین ادامه می‌دهند و حملات گروه‌های متحرک زرهی را ناکام گذاشته‌اند. در بیانیه وزارت دفاع روسیه آمده است که واحدهای ارتش این کشور شامل نیروهای تازه ذخیره، جنگنده‌ها، تیم‌های پهپادی و یگان‌های توپخانه، جلوی پیشروی گروه‌های متحرک زرهی اوکراینی به عمق خاک روسیه را در نزدیکی شهرک‌های منطقه کورسک گرفته‌اند. نیروهای ارتش روسیه همچنین بنا به برخی گزارش‌ها صبح چهارشنبه چندین روستا در منطقه خرسون اوکراین و مناطقی دیگر در جنوب‌شرق و شرق این کشور را گلوله‌باران کردند که طی آن دست‌کم پنج نفر زخمی شدند. از سوی دیگر، اوکراین اعلام کرده است که قصد ندارد سرزمین‌های تصرف شده در روسیه را تحت اشغال خود درآورد. کیف در همین راستا، به مسکو پیشنهاد کرده است که در صورت تن دادن به یک «صلح عادلانه» حملات به خاک روسیه را متوقف خواهد کرد.

منبع آگاه در اسرائیل گزارش داده که مقامات آمریکایی به هم‌تایان اسرائیلی خود اطلاع دادند که زمان دستیابی به توافق برای جلوگیری از وقوع جنگ منطقه‌ای فرا رسیده است اما هیچ‌کس همچنان نمی‌داند که نتایج آن در این راستا به دنبال چیست و می‌خواهد چه اقدامی انجام دهد. به اعتقاد سی.ان.ان، برغم افزایش فشارها در اسرائیل برای بازگرداندن اسرا، اما نتایج بارها تلاش‌ها برای دستیابی به توافق آتش‌بس را خنثی کرد و به موازات آن، دیپلمات‌های آمریکا و خاورمیانه بسیج شده‌اند تا ایران را از حمله به اسرائیل که می‌تواند به یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر منجر شود، منصرف کنند و اتفاقاً ایران و آمریکا گفته‌اند که راه‌های ارتباطی بین آنها از طریق واسطه‌ها همچنان باز است. سی.ان.ان همچنین مدعی شده که نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه ایران ممکن است در صورت دستیابی به توافق آتش‌بس از پاسخ به اسرائیل دست بکشد، اما نمایندگی این کشور در سازمان ملل (شنبه) اعلام کرده که پاسخ تهران اصلاً با آتش‌بس غزه ارتباطی ندارد.

اینکه اسرائیل و نتایج آن در مورد مذاکرات آتش‌بس چگونه عمل می‌کند موضوعی است که در حال‌های از ابهام قرار دارد اما نکته بسیار مهم این است که شروط جدید او می‌تواند مانع جدی بر سر راه توافق در دوحه باشد. از سوی دیگر، بامداد دوشنبه پنتاگون اعلام کرد که آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا (سه‌شنبه) با فروش تجهیزات مختلف نظامی به اسرائیل به مبلغ ۲۰ میلیارد دلار موافقت کرده است. این تجهیزات شامل جت‌های جنگنده اف-۱۵ و حدود ۳۳۰۰۰ فشنگ از مهمات تانک خواهد شد. موضوع تایید انتقال تسلیحات و تجهیزات به اسرائیل، آن هم چندین ساعت قبل از برگزاری مذاکرات آتش‌بس در دوحه نشان می‌دهد که اوضاع و احوال در مورد این کشمکش سیاسی که آمریکا، مصر و قطر آن را مجدداً کلید زده‌اند، با بیم‌و امید مشخص درم‌تپیده شده است. حال باید منتظر ماند و دید که آیا آتش جنگ غزه در دوحه خاموش می‌شود یا خیر.



فروپاشی سودان؟

عثمان بلیسی، مدیر آفریقا و خاورمیانه در سازمان بین‌المللی مهاجرت وابسته به سازمان ملل در یک بیانیه هشدار داد که «چنانچه یک رسیدگی جهانی هماهنگ، فوری و گسترده در قبال وضعیت سودان رخ ندهد این ریسک وجود دارد که ما در ماه‌های آینده شاهد مرگ ده‌ها هزار نفر که می‌توانستیم جلوی آن را بگیریم، باشیم». او گفت که در آستانه نقطه شکست عظیم و یک بحران فراگیر هستیم.



نگرانی پنتاگون

پت راید، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) در یک نشست خبری اعلام کرد: این کشور درباره روابط دفاعی روسیه با شرکا و متحدان خود از جمله ایران، چین و کره شمالی نگران است. وی گفت که ما این روابط را به دقت رصد می‌کنیم و نگرانی‌هایی داریم، به ویژه از این جهت که روسیه به دنبال تأمین تسلیحات و مهمات از این کشورها برای پشتیبانی جنگ آن در اوکراین است.



بازداشت ۱۰۰۰ نفری

شورای پلیس ملی بریتانیا در تازه‌ترین بیانیه خود اعلام کرد، در سراسر این کشور و در برخورد با معترضان راست افراطی در مجموع ۱۰۲۴ نفر بازداشت شده و ۵۷۵ نفر متهم شده‌اند، از جمله یک شهروند ۶۹ ساله که در شهر لیورپول به تخریب اماکن متهم شده است. گفته شده که از هفته گذشته که تلاش مقامات انگلیسی برای بازداشت شورشیان تشدید شده، آتش اعتراضات فروکش کرده است.

بیم‌و امید آتش‌بس

مذاکرات آتش‌بس غزه در حالی انجام می‌شود که آمریکا در مورد عدم توافق به اسرائیل هشدار داده است



از حدود دو هفته پیش اخباری از سوی رسانه‌های آمریکا مبنی بر شروع آخرین دور مذاکرات آتش‌بس غزه منتشر شد و طی یک هفته پیش بیشترین حجم از مانور سیاسی - تبلیغاتی ایالات متحده در این مورد را شاهد بودیم. براساس اعلام رسانه‌های آمریکا، اسرائیل و همچنین مطبوعات منطقه‌ای، این دور از مذاکرات پنج‌شنبه مصادف با ۱۵ اگوست در دوحه (قطر) برگزار خواهد شد و در این مسیر هیاتی مرکب از مقامات سیاسی - امنیتی آمریکا به رهبری ویلیام برنز، رئیس آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در آن شرکت خواهند داشت. علاوه بر آن قرار بود تا آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا هم در آستانه این مذاکرات سفری به منطقه داشته باشد که در این خصوص وبگاه آکسیوس اعلام کرد وزیر خارجه آمریکا سفر خود را به منطقه که قرار بود سه‌شنبه شب انجام شود، به دلیل عدم اطمینان درباره وضعیت خاورمیانه به تعویق انداخته است. این درحالی است که پیش‌تر، باراک رابین، خبرنگار اسرائیلی آکسیوس در ایکس اعلام کرده بود آنتونی بلینکن در جریان این سفر به قطر، مصر و اسرائیل خواهد رفت. اینکه چرا بلینکن به منطقه سفر نمی‌کند یا حداقل آن را برای مدتی به تعویق انداخته، نشان‌دهنده آن است که واشنگتن همچنان از وضعیت امنیتی منطقه نگران است و به همین جهت بوده که طی دو هفته گذشته آرایش تسلیحات، تجهیزات و حتی نفرت ایالات متحده در منطقه تغییر کرده است. با تمام این تفاسیر آنچه که در این بین باید مورد توجه باشد، مذاکرات آتش‌بس است که پیچیدگی‌های آن به شدت زیادی شده است؛ چراکه شبکه المیادین (چهارشنبه) به نقل از یکی از مسئولان ارشد حماس بدون ذکر نام اعلام کرد که نمایندگان این جنبش در نشست دوحه شرکت نخواهد کرد. وی تأکید کرده که حماس آغاز مذاکرات جدید بدون استناد و پایبندی به پیشنهاد توافق اخیری را که در دوم جولای گذشته ارائه کرد، نمی‌پذیرد. پیش از این هم رویترز (عصر سه‌شنبه) به نقل از منابعی در حماس اعلام کرده بود که آنها در مذاکرات آتش‌بس دوحه شرکت نخواهند کرد.

بسیاری از تحلیلگران بر این عقیده هستند که حماس در حال استفاده از یک تاکتیک سیاسی در قبال اسرائیل است اما در این راستا، برخی دیگر به استناد مواضع اخیر این جریان بر این عقیده هستند که این دور از مذاکرات هم براساس سوابق گذشته توسط نتایج و تمش به حاسبه می‌رود و اصولاً نباید انتظار خاصی از خروجی آن داشته باشیم. در این راستا، آنچه که باید مورد نظر قرار بگیرد این است که تحولات اخیر اسرائیل در غزه نوعی تزریق رادیکالیسم علنی بر اوضاع و احوال حاکم بر آتش‌بس از حیث سیاسی قلمداد می‌شود. به‌عنوان مثال، چند روز پیش شاهد آن بودیم که جنگنده‌های ارتش اسرائیل مدرسه تابعین در غزه را مورد هدف قرار دادند و بر اثر این اقدام بیش از ۱۰۰ نفر کشته شدند و صدها زخمی بر جای ماند و همین موضوع مورد انتقاد گسترده از سوی جامعه ملل قرار گرفت اما این آخرین اقدام اسرائیل نبود. به موازات این روند ایتمار بن‌گور، وزیر امنیت داخلی اسرائیل با طیفی را افراط‌گرایان شهرک‌نشین به مسجداً قاصی حمله‌ور شدند و در آنجا مراسم تلمودی برگزار کردند. اگرچه نتایج اعلام کرده که از چنین اقدامی بی‌اطلاع بوده اما منابعی در درون جناح ایتمار بن‌گور اعلام کرده‌اند که نخست‌وزیر اسرائیل به صورت



مستقیم از این اقدام انفعالی و هجومی خبر داشته است و به دروغ خود را از آن بی‌اطلاع نشان می‌دهد. این اقدامات صرفاً بخشی از سناریوی سلبی نتایج و تیم وی در کابینه اسرائیل به حساب می‌آید تا در نهایت بتوانند اوضاع داخلی و بیرونی را در آستانه مذاکرات آتش‌بس به نفع خود تشدید کنند و به غرب و سایر متحدان‌شان بگویند که همچنان با معطل و بحران‌های ارگانیک در اطراف خود روبه‌رو هستند و حتی آن را تا سر حد خلق یک بحران جدید ادامه دهند. این اقدامات درحالی صورت می‌گیرد که منابع آمریکایی در آستانه برگزاری مذاکرات دوحه درحال انتشار برخی از داده‌هایی هستند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آن مربوط است. به‌عنوان مثال، ان.بی.سی. به نقل از مقامات آمریکایی اعلام کرده که نتایج دو ماه گذشته شرایط جدیدی را ارائه داد که می‌تواند مذاکرات را پیچیده کند؛ به صورتی که شرط جدید این است که اسرائیل باید کنترل مرزهای نوار غزه با مصر را حفظ کند. به گفته ان.بی.سی، مقامات آمریکایی همچنین گفته‌اند که شرایط جدید، شامل محدودیت‌های جدیدی برای فلسطینیان خواهان بازگشت به خانه‌های خود خصوصاً مناطق شمالی غزه می‌شود. از جهتی دیگر گفته شده که نتایج خواهان آزادی فوری ۲۳ اسیر در قید حیات اسرائیل شده و همچنین از مذاکره‌کنندگان خود خواسته تا نظر اسرائیل در مورد هویت اسرای فلسطینی مورد درخواست حماس برای آزادی ملاک اصلی قرار گرفته شود.

هشدار آمریکا

با نگاهی به این وضعیت شاید به این جمع‌بندی برسیم که اساساً خروجی مذاکرات آتش‌بس غزه که در دوحه برگزار می‌شود منفی است و باز هم باید شاهد ادامه جنگ و خونریزی در این منطقه باشیم اما به نظر می‌رسد که ایالات متحده به دنبال آن است تا به هر ترتیب که شده این مذاکره با خروجی مثبت به پایان برسد. در این زمینه، سی.ان.ان به نقل از یک

دریچه: تحلیل عادات

محک تجربه

چرا تجربیات زندگی مهم هستند؟



حسن محرابی
پژوهشگر

در ادبیات فارسی ضرب‌المثلی داریم به این شرح: «آن چه در آینه جوان بیند، پیر در خشت خسام آن بیند!» معنای اصطلاحی این ضرب‌المثل چنین است: کسی که در کاری دارای تجربه و مهارت است باید از مهارت و تجربه او استفاده کرد. به‌خصوص آن‌که تازه‌کار (جوان) هستند، ضروری است از تجربه پیران و گذشتگان برای انجام کارهاشان بهره بگیرند. اما این تجربه که از چنان اهمیتی برخوردار است، چیست؟ تجربیات آن چیزهایی هستند که زندگی ما را تا این لحظه ساخته‌اند. آن‌ها شامل رویدادهای مثبت و منفی و کارهایی که ما هر روز انجام می‌دهیم، بوده و در ما ریشه دوانده‌اند. از این رو تجربیات برای خوش‌بختی، رفاه و زندگی شخصی ما اهمیت حیاتی دارند. ما باید آن‌ها را درک کنیم و بدانیم چگونه آن‌ها بر کاری که اکنون انجام می‌دهیم (در زمان حال) و نیز برای داشتن یک زندگی شاد و با رضایت، تأثیر می‌گذارند.

تجربه در زندگی شخصی

به بیان دیگر، تاریخ و تجربه، شخصیتی که ما امروز داریم (چه خوب و چه بد) را شکل داده‌اند. در مجموع نحوه نگرش ما به تجربیات گذشته، هم آگاهانه و هم ناخودآگاه، نحوه برخورد ما به زندگی را شکل می‌دهد. افراد در جریان زندگی به‌گونه‌ای، رفتارشان همیشگی و تکراری می‌شود. بدین صورت که آن کاری که ما هر روز انجام می‌دهیم مانند یک برنامه خودکار می‌شود. در حقیقت بر این منوال ذهن و بدن ما ساده‌ترین راه‌ها را برای انجام کارهایش پیدا می‌کند. راحت‌ترین الگو هم برای پیروی، الگوی مربوط به تجربیات گذشته است. به بیان دقیق‌تر از نظر شخصی تجربه یک تأثیر خود به خودی در هر یک از ما دارد، هم چنین روابط و تجربیات گذشته با خانواده، دوستان و عزیزان، تأثیر زیادی بر شخصیت امروزی ما دارد. در نتیجه اگر به هر نحوی با ما رفتار شده باشد، در نهایت به آن شخص تبدیل می‌شویم.

تجربه و اجتماع

البته بهره‌گیری از تجربه در ابعاد اجتماعی دارای میزان تأثیر و نفوذ گسترده‌تری است. برای یک جامعه، موضوع از گذشته بیاموزید؛ به این معنی است که وقتی کاری جدید را شروع می‌کنید، درک و ارجاع به تجربیات قبلی مهم است. تفکر فعلی از تفکر گذشته آگاه می‌شود. در نتیجه جامعه از موفقیت‌ها و شکست‌های گذشته در فعالیت‌های انجام گرفته در کشور و نیز از نحوه عمل‌کرد شخصیت‌های تاریخی آن آگاه خواهد بود. تمام تاریخ یک ملت، داستانی از تجربیات بشری است و بر اساس یک عبارت پرکاربرد (ما باید از تجربیات نسل‌های گذشته درس بگیریم) شکل گرفته است. این امر به‌ویژه با توجه به این‌که گذشته تنها مدرکی است که هنگام برنامه‌ریزی برای آینده داریم، بسیار مهم است.

ترکیب تجربه و دانش امروزی

اما ضمن آن‌که درباره تجربیات گذشته به نکاتی می‌رسیم، باید بدانیم که چگونه آن‌ها را با دانش دقیق و تصمیم‌های آگاهانه تاریخی برای امروز و آینده‌مان نیز به‌کار بگیریم. دانش امروزی با بازنگری در تجربیات تاریخی، توضیحات تاریخی و دانش تاریخی و جایگاه آن‌ها در دنیای کنونی به دنبال پاسخ به سؤالات اساسی حال حاضر و آینده جامعه است. این رویکرد اینک به عنوان تاریخ تحلیلی تجربیات شناخته می‌شود.

در مجموع هر کاری که انجام می‌دهیم و هر چیزی که استفاده یا مطالعه می‌کنیم، محصول مجموعه پیچیده‌ای از علل، ایده‌ها و اعمال است. حتی مطالبی که در دوره‌های دیگر می‌آموزیم دارای عناصر تجربه شده و مهمی است و ما بر پایه آنها دانش‌مان را ارتقا می‌بخشیم. در ابعاد جهانی نیز مطالعه تنوع تجربیات انسانی به ما کمک می‌کند تا فرهنگ‌ها، ایده‌ها و سنت‌هایی که متعلق به خود ما نیستند را شناسایی کنیم و آنها را به عنوان محصولات معنادار زمان‌ها و مکان‌های خاص بشناسیم. باید اذعان کرد، تجربه گذشتگان به ما کمک می‌کند تا بفهمیم اگرچه دستاوردهای امروزمان با اجدادمان متفاوت است اما در اهداف و ارزش‌هایمان چقدر شبیه هم هستیم.



زیر شلاق ممیزی

عبدالجبار کاکایی: از ۱۹ - ۱۸ سالگی به دلیل اخراج از آموزش و پرورش در نشریات شروع کردم به قصه‌نویسی و داستان‌نویسی و این کار مدتی طول کشید اما شعر و شاعری من را از رسانه جدا کرد و نظام خاص ممیزی که در انتشار اخبار هست در این قصبه بی‌تأثیر نبود. نظام رسانه‌ای و به‌طور کلی حوزه فرهنگ و ادب ما زیر شلاق ممیزی است.



تمدن نویسی عیلامی

کامیار عبادی: تمدن عیلام اولین تمدنی است که در جنوب غربی ایران شروع می‌شود و بعد تا دوره هخامنشیان ادامه پیدا می‌کند. عیلامی‌ها از خودشان منابع مکتوب باقی گذاشتند. در کنار این تمدن و در همسایگی آنان، تمدن بین‌النهرین که آشور، بابل و سومر را در بر می‌گرفت، وجود داشت. بین‌النهرین یک تمدن بسیار نویسنده است. تا حدود دوره اشکانی، رگه‌هایی از تمدن بین‌النهرین باقی ماند.



درگذشت نویسنده برزیلی

مارسیو سوزا، نویسنده‌ای از آمازون که در همه عمرش برای زادگاهش نوشت در ۷۸ سالگی درگذشت. سوزا سال ۱۹۴۶ در مانائوس به دنیا آمد و در دانشگاه سان‌پائولو در رشته علوم اجتماعی تحصیل کرد. او به عنوان منتقد فیلم با مقاله‌هایی که در زمینه فرهنگ در چندین روزنامه می‌نوشت، شناخته شد و اولین رمانش را با نام «گالوز، امپراتور آکا» در ۲۰ سالگی منتشر کرد.

تابوی آخوند رمان نویس

گزارش رونمایی رمان من مریم مقدس می‌خواستم

رمان «من مریم مقدس می‌خواستم» نوشته حجت‌الاسلام سیدمحمدرضا واحدی در موزه نادر ابراهیمی واقع در خانه شعر و ادبیات رونمایی شد. مراسم رونمایی این کتاب با حضور سیدمحمدحسین حجازی، مدیرعامل منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد، امیرتقی خانی دستیار و مشاور فرهنگی فرمانده کل ارتش، سیدحسن حسینی‌ارستجانی نویسنده، محمدرضا شرفی‌خوشان نویسنده و شاعر، خسرو باباخانی نویسنده و مهدی قزلی مدیر خانه شعر و ادبیات، عصر سه‌شنبه ۲۳ مرداد برگزار شد.

مراسم رونمایی این کتاب در پنجاهوششمین جلسه هفتگی داستان‌خوانی «سه‌شنبه‌های داستان» برگزار شد که هدایت آن را خسرو باباخانی به عهده دارد. باباخانی ضمن بیان خلاصه‌ای از داستان «من مریم مقدس می‌خواستم»، برای حاضران در این مراسم توضیح داد: «با وجود آن‌که حجم کتاب زیاد بود و خلاصه کردن رمان محال است، من هم نمی‌توانم زیبایی رمان را برای شما تعریف کنم لذا مجبورم به قصه اصلی آن بپردازم. ما امروز جلسه نقد نداریم و می‌خواهیم فقط این کتاب را معرفی کنیم و دوستانی که کتاب را خوانده‌اند درباره آن صحبت کنند. این رمان با فصل خوبی شروع می‌شود که سوال‌برانگیز است و در ادامه به آن سوال پاسخ داده می‌شود. کتاب «من مریم مقدس می‌خواستم» مزاری را به ما معرفی می‌کند که یک جوان ورزشی هر سه‌شنبه سر آن مزار می‌رود و روز جمعه هم دو خانم بر سر همان مزار می‌روند و در واقع نویسنده در ۱۷ فصل آینده کتاب به نسبت افراد با آن مزار پاسخ می‌دهد. نکته قابل توجه دیگر در این رمان احترام به خانواده است.»

ادبیات تعلیمی

در ادامه محمدرضا شرفی‌خوشان، نویسنده و شاعر درباره کتاب «من مریم مقدس می‌خواستم» گفت: «در ایران زمین استفاده از داستان و رفتار به عنوان ابزار تعلیمی از گذشته رواج داشته و نگاه کسانی که در ادبیات منظوم، داستان خلق کرده‌اند این بوده که از کتاب به عنوان ابزاری از آموزه‌های اخلاقی خود استفاده کنند. تمام کتاب‌هایی که در ادبیات ما ماندگار شدند جزء ادبیات تعلیمی هستند گرچه ادبیات غنایی نیز نقش خود را دارد اما در همان نوع هم ادبیات تعلیمی لحاظ شده است حتی گستره ادبیات تعلیمی، خودش را در ادبیات غنایی هم توسعه می‌دهد. در ادبیات حماسی نیز فردوسی تنها حماسه را بیان نمی‌کند بلکه نحوه چگونه زیستن و فرهنگ اندیشیدن را بیان می‌کند به همین دلیل به او حکیم می‌گویند. ادبیات امروز هم تحت‌تأثیر ادبیات گذشته ایران زمین و ادامه آن است، ورود به داستان با این پیشینه ما را متوجه اهمیت آن می‌کند. از طرفی هر چه نویسندگان ما از ادبیات غرب تقلید کردند، فاصله آن با ادبیات ما هم بیشتر بوده است. بررسی و کنکاش ادبیات داستانی معاصر به خصوص در دهه ۴۰ و پیش از انقلاب نشان می‌دهد هر چه نویسندگان ایرانی بر اساس فرم داستان‌پردازی غرب پیش رفتند، فاصله با ذخایر ادبیات کهن و گنجینه آن نیز بیشتر شده و از خود بیگانه‌تر شدیم و فکر می‌کنیم، دلیل آن عدم اعتماد به نفس بوده است. نویسنده‌ای که اصل موضوع را تقلید از ادبیات داستانی غرب بداند فاقد اعتماد به نفس است و به خودش باور ندارد.» این نویسنده در بخش دیگری از صحبت‌هایش با بیان این‌که هر چه نویسنده ایرانی به شگرد داستان‌نویسی غرب نزدیک شده از ذات ادبیات تعلیمی ایران فاصله گرفته است، افزود: «اما نویسندگانی که به داشته‌های داستانی خودمان در گذشته توجه کردند، دریافته‌اند که در تکنیک داستان‌پردازی هم نیازمند تقلید از شیوه‌های داستان‌نویسی غرب نیستیم. سیدمحمدرضا واحدی نیز در شیوه



زمین یک عالم روحانی دیدگاه خود را در قالب رمان می‌نویسد نشان دهنده سربلندی فرهنگی ماست. نشانه‌ای است که اسلام بیان اندیشه‌های خود را با کلمه و داستان پیش می‌برد چنان‌که کتاب آسمانی ما چنین می‌کند. یکی از مولفه‌های پس از انقلاب این است که روحانیون ورود به عرصه رمان‌نویسی را جدی گرفتند و در قم کتاب داستان‌نویسی برگزار می‌شود.

برخی رمان‌نویسی من را ننگ دانستند

در ادامه این مراسم سیدمحمدرضا واحدی، نویسنده کتاب «من مریم مقدس می‌خواستم» نیز بیان کرد: «برخی رمان نوشتن من را ننگ دانستند و تصورشان این بود که یک آخوند باید فقط حدیث و نماز بخواند و وعظ کند. دوستی در جلسه‌ای گفت، محسن رمان نوشتن یک روحانی این است که او دیالوگ می‌کند و مولوگ حرف نمی‌زند و یک سوه از فراز منبر با زیرمجموعه صحبت نمی‌کند بلکه خودش را با مردم برابر می‌بیند. کدام نویسنده‌ای است که دغدغه‌های خودش را در رمانش ننوشته باشد بلکه مهم این است به گونه‌ای نوشته شود که منبر مستقیم نباشد حتی می‌گویند در تربیت فرزند خود نصیحت مستقیم نکن. تصور خودم از رمان، بهم ریختن پازل‌هایی است تا لذت کشف و چپش آن را به مخاطب دهم و بازخوردی که تاکنون از آن گرفتم، مثبت بوده است. سبک و تقلیدم از غربی‌ها نبوده و واکنش‌های خوبی از آن گرفتم. من این کتاب را برای دهه هفتادی‌ها نوشتم و چند نسل در این کتاب حضور دارند. تمام دغدغه‌های جوانان دهه ۷۰ و ۸۰ را در زندگی اجتماعی و خانواده‌ای امروز در این کتاب آوردم. در این کتاب حتی به مسائل سیاسی پرداخته و سعی شده به دغدغه جوانان اشاره شود.»

در خلاصه داستان «من مریم مقدس می‌خواستم» آمده است: «توی میدان ولیعصر بغضم می‌خواستم بترکد اما نگذاشتم. پرده‌ای از اشک جلوی چشمم را گرفت و مانع دیدم شد. موتور را گوشه میدان نگه داشتم و اشکم را پاک کردم. نگاهی به سینما قدس در ضلع جنوبی میدان انداختم و راه افتادم. نسرین جان! آخرین فیلمی که اینجا دیدیم چی بود... نمی‌دانم شاید «همسفر» مهدی فخیم‌زاده بود. نسرین جان! به نگاهت قسم که من بی‌غیرت نبوده و نیستم همسفر من!» «من مریم مقدس می‌خواستم توسط انتشارات عهد مانا در ۲۸۰ صفحه منتشر شده است.



گزارش سینمای ایران

اخطار درباره امنیت اکران

سرورهای اکران فاقد استاندارد و امنیت هستند

اتحادیه مراکز فنی و پشتیبانی تولید سینمای ایران نسبت به استاندارد نبودن سرورهای نمایش فیلم در سینماها و نداشتن امنیت هشدار داده و خواستار اصلاح اشکالات موجود شده است.

حدود یک ماه قبل، این اتحادیه (با امضای محمد آلابوش - مدیرعامل اتحادیه) در مکاتبات رسمی با مسئولان سینمایی و موسسه سینماشهر اعلام کرده که برخی سرورهای موجود در شبکه اکران در کمیته فنی اتحادیه بررسی و مشخص شده که فاقد استاندارد و امنیت هستند، به همین دلیل خواستار خروج هرچه سریع‌تر آنها از چرخه اکران شده است.

در این زمینه، امیرحسین سحرخیز - عضو هیات‌مدیره اتحادیه و مدیرعامل استودیو روشنا - با بیانی ساده توضیح داد که چه مشکلی در سرورها وجود دارد که درخواست خارج شدن آنها مطرح شده است.

او در گفت‌وگویی با ایسنا با بیان اینکه «سیستم دیجیتال سینما سبب شد، فروش فیلم‌ها تضمین شود چراکه در آن امنیت کافی وجود دارد و امکان کپی از فیلم‌ها گرفته شده همچنین جلوی نمایش غیرمحدود آنها را هم می‌گیرد» درباره نحوه عملکرد این سیستم توضیح داد: «فایلی که قرار است برای نمایش به سالن سینما برود که به آن DCP گفته می‌شود، حاوی قفلی است که روی یک سرور خاص و در زمانی خاص که ما، آن را تعریف می‌کنیم توسط یک کلید باز خواهد شد. اگر امنیت این قفل از بین برود، امنیت نمایش فیلم نیز از بین می‌رود. آنچه در مورد سرورهایی که الان محل بحث هستند اتفاق افتاده، این است که کلیدی که برای باز شدن آن قفل به کار می‌رود و ما اصطلاحاً به آن KDM می‌گوییم، قابل دستکاری است، یعنی می‌توان آن را تغییر داد و زمان نمایش فیلم را به صورت نامحدود افزایش داد. در واقع این سرورها از استاندارد مشخصی تبعیت نمی‌کنند و قفل می‌تواند دستکاری شود».

سحرخیز با اشاره به اینکه این اتفاق همانند آن است که شما از یک شرکت قفلی را خریداری کنید که کلیدهای دیگر قفل‌ها هم آن را باز می‌کنند، گفت: «چنین قفلی دیگر نه امنیت دارد و نه کارکرد اما نکته دیگری که در ایران وجود دارد، این است که این دستگاه‌ها از هیچ پروسه کنترل کیفیت و استاندارد عبور نکرده‌اند. این دستگاه‌ها در تمام دنیا در یک جریان کنترل کیفیت (QC) بررسی می‌شوند اما در ایران چنین مسیری را طی نکردند و وقتی وارد سیستم شدند، مشخص شد ایرادهایی دارند. ایرادها گزارش شدند که بخشی از آنها برطرف شد و بخشی دیگر هم برطرف نشده است».

عضو هیات‌مدیره اتحادیه مراکز فنی و پشتیبانی تولید سینمای ایران با یادآوری زمانی که سرورهای خارجی از شرکت‌های مختلف در سینماهای ایران استفاده می‌شدند، گفت: «از سرورهای جدید که به عنوان ساخت وطن و تولید ملی معرفی شده‌اند، هیچ پیشینه‌ای موجود نیست. نمی‌دانیم نرم‌افزار آن را چه کسی تولید کرده یا در کجا تولید شده‌اند. در واقع هیچ اطلاعاتی از آنها نداریم اما اطمینان دارم که ایرانی نیستند. به نظرم سرور ملی یک حرف پرطمطراق است. این نرم‌افزار هم خارجی است و هم بی‌نام‌نشان. این درحالی است که در سیستم‌های سینمایی نمی‌توانید محصول بی‌نام‌نشان داشته باشید. امنیت فیلم‌ها برای سازنده و سیستم پخش مهم است. حتی در مورد پروژکتورهای استاندارد سینمای دنیا، فقط سه - چهار کمپانی هستند که اجازه ساخت آنها را دارند. در ایران همه می‌خواهند سرور بسازند و بگویند ملی است. طبیعتاً اینها آزمون‌وخطا دارد و فقط خودشان تصور می‌کنند، کارشان بی‌نقص است در صورتی که یک مجموعه ثالث آنها را چک نکرده است».

وی افزود: «متأسفانه مشکل فعلی ما با این سرورها همین است که امنیت KDM ندارند و حدود ۱۰۰ دستگاه با این مشخصات در چرخه اکران هستند که تعدادشان در تهران کم است اما در کل کشور پخش شده‌اند».



اکران اکشن جاسوسی

فیلم سینمایی «قلب رفته» اولین ساخته سینمایی خیرالله تقیانی پور از روز گذشته اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز کرد. این فیلم اکشن و جاسوسی، یک عاشقانه در دل التهاب روایت می‌کند. در «قلب رفته»، شهرام حقیقت‌دوست، شادی مختاری، عبدالرضا نصاری، فرهاد قائمیان، هدایت هاشمی، محمدرضا شریفی‌نیا، مصطفی ساسانی، عامر علی، مهدی شیخ‌عیسی و محمدعلی موسوی ایفای نقش می‌کنند.



شاهرخ خان صداپیشه شیرشاه

شاهرخ خان، فوق‌ستاره بالیوود که به تازگی در جشنواره لوکارنو پلنگ طلای یک عمر فعالیت هنری را دریافت و مسترکلاسی هم در آنجا برگزار کرد با پسرانش آریان خان و آبرام صدایشگی نسخه هندی زبان فیلم سینمایی «موفاسا: شیرشاه» را انجام می‌دهند. این فیلم که به کارگردانی بری جنکینز ساخته شده، داستان چگونگی ظهور پادشاه محبوب سرزمین‌های غرور را روایت می‌کند.



بازسازی یک فیلم هیولایی

جیمز وان خالق مجموعه فیلم‌های ترسناک «اره» و «احضار روح» قصد دارد، برداشتی جدید از هیولای کلاسیک یونیورسال انجام دهد. وان و همکارانش به یونیورسال پیشنهاد بازسازی فیلم هیولایی سال ۱۹۵۴ یعنی «موجودی از باتلاق سیاه» را داده‌اند و حالا قرار است یک نویسنده برای نوشتن فیلمنامه جدید انتخاب شود تا همراه وان کار کند. وان چندی پیش «اکوآن» پادشاهی گذشته» را ساخت.

آمارسازی؟

آمار عجیب رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما از تعداد بینندگان حسینیه معلی



گلاویز نادری
گروه سینما و تلویزیون

نشست برنامه «حسینیه معلی» با حضور مدیران شبکه سه، عوامل برنامه و مدیران مرکز تحقیقات سازمان صبح چهارشنبه - ۲۴ مردادماه - در حوزه هنری برگزار شد. نکته جالب در برگزاری این نشست این است که به جای اینکه در یکی از سالن‌های صداوسیما برگزار شود در حوزه هنری تشکیل شد، بدون اینکه سازندگان این برنامه توضیحی چرایی تشکیل این جلسه در خارج از سازمان صداوسیما داشته باشد. اگر آن طور که سازندگان و حمایت‌کنندگان «حسینیه معلی» در این نشست مطرح کردند، این برنامه آتقدر تماشاگر دارد و حالا جزو برندهای صداوسیما به حساب می‌آید، چرا در همین سازمان نشست خبری‌اش برگزار نمی‌شود و حوزه هنری اقدام به برپایی این نشست می‌کند. اما مهم‌تر از این، نکاتی است که در این نشست از سوی حاضران مطرح شد که آتقدر غیرمنطقی و غلو شده به نظر می‌آید که اگر «حسینیه معلی» توفیقی هم به دست آورده باشد با این تعریف و تمجیدهای غیرواقعی همه آنها بر باد رفته و چنین اظهارنظرانی ثواب ساخت چنین برنامه‌ای را هم کم‌رنگ کرده و از بین می‌برد.

محسن شاکری‌نژاد، رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما درباره آمار مخاطبان «حسینیه معلی» در این نشست اظهار می‌کند: «سال قبل مخاطب این برنامه ۳۶ درصد بود و امسال به عدد ۴۳ درصد رسیدیم. ما ماهانه میزان مخاطب برنامه‌های شاخص را می‌سنجیم. ملاک ما در آمار آخرین نظرسنجی‌هاست. برای این برنامه هم آخرین آمار در نظر گرفته شد. برای ۱۳ قسمت ۴۳ درصد است، یعنی بیش از ۳۰ میلیون نفر باید آن را دیده باشند. آخرین فصل «عصر جدید» ۴۶ درصد بود که یک مسابقه استعدادیابی با فضای سرگرمی بود و این برنامه در زمان‌بندی کوتاه و فضایی که دارد خیلی به آن میزان نزدیک است».

در اینکه «حسینیه معلی» یکی از برنامه‌هایی است که مخاطب خاص خود را دارد، تعدادی از تماشاگران پای این برنامه می‌نشینند، شکی نیست؛ اما سوال اینجاست که رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما چطور ۴۳ درصد بیننده را ۳۰ میلیون تماشاگر محاسبه می‌کند؟ از کجا به چنین آمار بیننده‌ای دسترسی پیدا کرده؟ تنها وقتی می‌توان به این آمار دست پیدا کرد که آمار تماشاگر تلویزیون را ۲۰ میلیون برآورد کرد و آن وقت با ۴۳ درصد بیننده به ۳۰ میلیون تماشاگر برای برنامه «حسینیه معلی» رسید. آیا واقعاً تماشاگر تلویزیون در شرایط فعلی که حتی مناظره نامزدهای ریاست‌جمهوری هم آن طور که باید و شاید دیده نشد ۷۰ میلیون نفر است؟ اگر تلویزیون آتقدر تماشاگر داشت که مدیرانش نباید برای به قول خودشان به ۴۳ درصد بیننده آتقدر به خود بیالند و آن را در بوق و کرنا کنند. رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما یا معنی ۷۰ میلیون تماشاگر را نمی‌داند، یا اینکه از تعداد تماشاگران واقعی یک برنامه سر در نمی‌آورد.

وقتی رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما چنین آماری ارائه می‌دهد به راحتی می‌توان به سایر آمار تماشاگران برنامه‌های تلویزیون هم شک کرد و برآورد آنها را هم مانند همین آماری که شاکری‌نژاد اعلام کرده، دانست. جالب اینجاست که این مدیر صداوسیما برای مقایسه آمارهای این برنامه، آن را با درصد تماشاگران آخرین فصل «عصر جدید» مقایسه می‌کند که به گفته او ۴۶ درصد بوده است. شاکری‌نژاد در چنین مواقعی بهتر است به آرشبو مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما مراجعه کند



سپرده شود تا با تعداد مخاطبان برنامه‌های مختلف تلویزیون سر کار نداشته باشد و اگر برای خوشایند برخی این آمار را مطرح می‌کند باید بداند که دفاع بد از یک برنامه، نتیجه اسفباری در پی خواهد داشت که هم زحمت سازندگان برنامه را به باد خواهد داد هم اگر اجر و پاداشی در پی داشته باشد، آن را بی‌اثر می‌کند. همه این اظهارات درحالی مطرح می‌شود که بخش‌هایی از این برنامه اسمال مورد انتقاد برخی از کارشناسان قرار گرفت اما مدیران و سازندگان «حسینیه معلی» که درصد تماشاگرانش نسبت به سال گذشته ۷ درصد افزایش داشته چنان از آن به عنوان برنامه‌ای برتر و پربیننده نام می‌برند که انکار تلویزیون تا به امروز برنامه‌ای هم‌سنگ آن نداشته و چنین مخاطبی را بر خود ندیده است.

با تمامی این اوصاف جالب اینجاست که نجم‌الدین شریعتی، مجری این برنامه اعلام کرد: «هیچ وقت به دنبال جذب مخاطب نبودیم. از روز اول دنبال این نبودیم که کاش مخاطب زیاد باشد و کار خود را کردیم!»

اما او بلافاصله عنوان می‌کند: «امسال حسینیه معلی را غیر از زبان فارسی به چهار زبان دیگر هم پخش کردیم و مخاطبان ما در اروپا، آمریکا، لبنان، سوریه توانستند این برنامه را تماشا کنند!»

طبق گفته‌های شریعتی معلوم نیست چهار زبانه بودن یک برنامه جز با هدف افزایش تعداد مخاطبان آن به چه دلیل دیگری صورت می‌گیرد؟ چنین تناقضاتی در اظهارات سازندگان باز هم به چشم می‌آید مانند سیدبشیر حسینی، کارگردان این برنامه که می‌گوید: «مجموعه‌های مختلفی به ما گفتند، اطلاعات آیین و اقلام وجود دارد اما هیچ چیز در اختیار ما قرار نگرفت و اندک مواردی که دست ما رسید آتقدر غیرواقعی و کلی بود که کارآمدی نداشت!» باید پرسید اگر «حسینیه معلی» آتقدر مورد توجه و محبوب است چرا با آن همکاری نمی‌کنند و اطلاعات درست در اختیار آن قرار نمی‌دهند؟

با تمام این اوصاف باید گفت، اگر چنین اظهاراتی از سوی سازندگان این برنامه و مدیران رسانه ملی مطرح نشود از میزان محبوبیت این برنامه کاسته می‌شود یا اقبال به این برنامه به چشم نمی‌آید؟ به طور حتم ارائه چنین آمارهایی نه تنها نشانه موفقیت یک برنامه است بلکه گاهی اثر عکس خواهد داشت و نشان از پروپاگاندا دارد که بی‌شک به یک برنامه حتی موفق هم آسیب جدی خواهد زد.

که حتماً آرشبو آمار سال‌های نه چندان دور را در خود دارد و اگر نه هم که با یک سرچ ساده می‌تواند به آمار بیننده‌های کمتر یک دهه پیش به راحتی دست یابد.

۲۰ شهریور سال ۱۳۹۷ طبق نظرسنجی مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما درباره میزان بینندگان برنامه «خندوانه» معلوم شد که بیش از ۶۵ درصد از مخاطبان تلویزیون در تهران این برنامه را تماشا می‌کنند. تازه این فقط آمار تماشاگران این برنامه در تهران بود که از گفت‌وگوی محققان مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما با مخاطبان تهرانی به دست آمده و نشان داد ۶۵/۶ درصد این افراد با اشتیاق برنامه خندوانه را دنبال کرده‌اند.

طبق آماري که در ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ از سوی صداوسیما منتشر شد براساس گزارش پژوهشی مرکز تحقیقات رسانه ملی، سریال «پایتخت ۵» شبکه یک سیما با ۸۱/۳ درصد و برنامه‌های خندوانه و دوره‌می، محصول شبکه نسیم هر کدام با ۶۶/۹ درصد از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیون در سال ۱۳۹۷ بوده‌اند. می‌پسند که برنامه‌های تلویزیون در گذشته‌ای نه چندان دور چقدر مورد توجه مخاطبان این رسانه قرار می‌گرفت و حالا برنامه‌های مانند «حسینیه معلی» با دکوری عظیم و مجل با ۴۳ درصد تماشاگر چنان مدیران این سازمان را هیجانزده می‌کند که از ۳۰ میلیون تماشاگر برای این برنامه می‌گویند! بدون توجه به اینکه بدانند مخاطب با یک حساب سرانگشتی می‌تواند از درستی یا نادرستی آماری که رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما می‌گوید، سر دربی‌آورد.

جالب اینجاست که این مدیر رسانه ملی چنان از آمار خود مطمئن است که با اشاره به میزان مخاطب در آمریکا و انگلیس می‌گوید: «من رصدی داشتم درباره پربیننده‌ترین برنامه در شبکه‌های تلویزیونی آمریکا که زمان بین مسابقات و دو نیمه است که خواننده اجرا دارد و همین برنامه‌ها ۱۰ درصد مخاطب دارند. سال گذشته آماری داده شد که در آن پربیننده‌ترین برنامه انگلیس که تاج‌گذاری چارلز بود ۱۲ میلیون نفر و ۱۸ درصد مخاطب داشت».

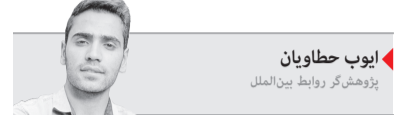
شاکری‌نژاد با تأسی به چنین آماری مدام خوانندگان گزارش این جلسه را بیشتر حیرت‌زده می‌کند. اگر واقعاً به چنین آماری درباره تماشاگران تلویزیون‌های آمریکا و انگلیس اعتقاد دارد که بهتر است هرچه زودتر مدیریت بخش دیگری در تلویزیون به او



دیدگاه: یادداشت

منش‌ها و روش‌ها

درباره آنچه مسعود پزشکیان در عرصه بین‌الملل باید مورد توجه قرار دهد



ایوب حطاویان
پژوهشگر روابط بین‌الملل

سیاست خارجه یک کشور، فرآیندی است که بر مبنای برودادهای خارجی و درون‌دادهای داخلی شکل می‌گیرد و تکامل پیدا می‌کند. اگرچه ستون‌های اصلی سیاست خارجی یک کشور با تغییر دولت‌ها و روی کار آمدن افراد جدید با ذهنیت‌های متفاوت، چندان تغییر نمی‌کنند با این حال شیوه و رویکرد دستیابی به اهداف تعریف شده بر مبنای آن ستون‌ها می‌تواند تفاوتی چشمگیر و حتی متضاد داشته باشد. ذهنیتی که تحریم‌ها را کاغذپاره می‌داند با ذهنیتی که بر تاثیر مخرب این تحریم‌ها بر امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک کشور واقف است کاملاً ناهمگون و ناساز است. تفکری که خواهان غلظتیدن به سوی دامان شرق برای بقاست با تفکری که بر برقراری تعادل در روابط با شرق و غرب و زندگی در فضای خاکستری جهت توسعه یافتن ایران تاکید دارد، کاملاً ناهمگون است.

در این نوشتار مراد و هدف اصلی این نیست که به مقایسه این تفکرات و ذهنیت‌ها بپردازم بلکه با این مقدمه کوتاه شروع کردم تا نشان دهم با پیروزی مسعود پزشکیان در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، اولویت‌های سیاست خارجی ایران با توجه به رویکرد و منش اصلاح‌طلبانه او احتمالاً شاهد بازچیدمانی و شاید بازنویسی شوند. سه‌گانه «عزت، حکمت و مصلحت» بستر اصلی سیاست خارجی رئیس‌جمهور جدید است. بر مبنای این سه‌گانه می‌توان گفت که انعطاف‌پذیری یکی از بروداد اصلی سیاست خارجی ایران در چهار سال پیش‌رو است. این مولفه امکان تحرک و بازیگری هرچه بیشتر ایران در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی را می‌دهد و از انسداد تعاملات و انزوای ایران جلوگیری خواهد کرد.

یکی از اولویت‌های مهم سیاست خارجی در زمان فعلی، تقویت روابط همسایگی با همسایگان پرشمار ایران است. جهت بازسازی اقتصاد نحیف و کمتوسعه‌یافته همچنین تقویت و تثبیت نقش منطقه‌ای ایران، نیاز است براساس منافع ملی عمق و گستره ارتباطات ایران با همسایگان بیشتر شود. مکانیسم‌های دیپلماتیک برای حل اختلافات بیش‌ازپیش فعال شوند و درهم‌تیدگی روابط به معنای واقعی شکل بگیرد. راهبردهای کلان در این زمینه نوشته شوند و از اتخاذ سیاست‌ها و دستورالعمل‌های مقطعی پرهیز شود چراکه دستورالعملی که از رفتارهای مقطعی نشأت گرفته باشد نمی‌تواند رفتار را هدایت کند.

ایجاد تعادل و توازن در روابط خارجی کشور، سنگین نکردن ناموزون وزنه تعادلی سیاست خارجی به سمت شرق یا غرب و بازی متعادل با کارت همه کشورها و قدرت‌های اثرگذار بین‌المللی، به منظور ایجاد رقابت بین آنها برای همکاری با ایران و بهره‌گیری حداکثری از توافقات راهبردی با روسیه و چین از دیگر اولویت‌های سیاست خارجی ایران در سال‌های پیش‌رو است. مولفه برقراری توازن در روابط خارجی که برخاسته از منطق منافع ملی است و ریشه در اصل عزت دارد در پیگیری و دستیابی به اهداف تعیین شده بسیار سودمند است و ایران را به کشوری پیشرو در عرصه سیاست خارجی تبدیل می‌کند.

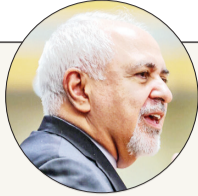
پس از عملیات توفان‌الاقصی در ۷ اکتبر، اسرائیل از تمام اهرم‌های موجود برای امنیتی کردن ایران در عرصه بین‌المللی و شکل‌گیری ائتلاف منطقه‌ای علیه کشورمان استفاده کرده است. از لفاظی‌های سنگین تا ترورهای دهشتناک همگی در این بستر تفسیر می‌شوند. در نتیجه باید از شکل‌گیری این روند جلوگیری کرد و اجازه نداد، پرونده دیگری همچون پرونده هسته‌ای ایران، که عواقب آن سال‌هاست اقتصاد کشور را تحت تاثیر قرار داده، شکل بگیرد. احتمالاً در کوتاه‌مدت اولویت اصلی دستگاه دیپلماسی دولت جدید این مورد باشد.

اگرچه که پیگیری موفق اهداف تعیین شده در عرصه سیاست خارجی نیازمند داشتن بینشی واقع‌گرایانه و شناخت دقیق نقاط ضعف و قوت خود است که به واسطه همکاری، هم‌افزایی و همفکری باید بر چالش‌های موجود در این زمینه غلبه کرد. اما با توجه به مولفه بسیار مهم انعطاف‌پذیری گفته شده، اولویت‌های پیش‌روی سیاست خارجی ایران، نسبت به گذشته، امکان تحقق بیشتری دارند و شانس موفقیت آنها دوچندان است.



تحکیم روابط با همسایگان

مسعود پزشکیان: دولت سیاستی فرصت‌گرا را پیگیری می‌کند که با ایجاد تعادل در روابط با همه کشورها، منطق با منافع ملی، توسعه اقتصادی و نیازهای صلح و امنیت منطقه و جهان باشد. تحکیم روابط با همسایگان در اولویت قرار خواهد داشت. ما پیگیر تشکیل یک منطقه قوی خواهیم بود، نه مناسباتی که در آن یک کشور به دنبال استیلا و تسلط بر دیگران باشد.



همگرا، راهگشا، معقول، متین

محمد جواد ظریف: بدون سیاست خارجی مستقر و اجماع ملی نمی‌توانیم منافع اقتصادی کشور را پیش ببریم و بدون سیاست خارجی جدی و همگرا و راهگشا، نمی‌توانیم دیپلماسی اقتصادی خوبی داشته باشیم. بدون سیاست خارجی معقول و متین نمی‌توانیم حتی با دوستانمان ارتباط داشته باشیم. معتقدم که این سیاست خارجی می‌تواند برای این مردم و برای این کشور و برای نقش منطقه‌ای ایران راهگشا باشد.



فعال کردن سیاست تنش‌زدایی

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه: شعار مسعود پزشکیان، تنش‌زدایی در حوزه سیاست خارجی بود اما اتفاق اخیر یعنی ترور اسماعیل هنیه نشان داد که بنیامین نتانیاهو به دنبال تنش‌زدایی است و سعی می‌کند بر وسعت تنش‌ها بیفزاید. از این‌رو انتظار می‌رود سیاست تنش‌زدایی دولت چهاردهم در مقابل تنش‌زدایی رژیم صهیونیستی دچار انفعال نشود و در نتیجه باید هرچه سریع‌تر قالب سیاست‌های تنش‌زدایی خود را در منطقه فراگیر کند.

مواجهه چندوجهی

نامعادله چشم‌انداز سیاست خارجی در دولت چهاردهم



محمد رضا ستاری
پژوهشگر روابط بین‌الملل

دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشکیان درحالی روز یکشنبه گذشته کابینه خود را معرفی کرد که دولت وی میراث‌دار مسائل و چالش‌های متعددی در حوزه روابط خارجی است؛ مسائلی که به طور کلی دو ویژگی مهم دارند؛ نخست اینکه، برخی از آنها در طول سال‌های گذشته روی هم انباشت شده‌اند و دوم مواردی که به تازگی و با توجه به تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای بروز و ظهور کرده‌اند. به همین دلیل است که حوزه سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی در دولت چهاردهم با شرایطی چندوجهی و پیچیده‌ای مواجه است. چندوجهی از این جهت که مولفه‌های آن، زوایای مختلفی داشته و پیچیده از این منظر که به صورت ماهوی حل‌وفصل‌شان از یک قاعده مشخص و معمول در حوزه روابط خارجی تبعیت نمی‌کند.

به عنوان مثال، دولت چهاردهم اکنون درگیر یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های تاریخ دیپلماسی به نام پرونده هسته‌ای است که بیش از ۲۰ سال است به یکی از مهم‌ترین

موانع دیپلماتیک ایران تبدیل شده است. یعنی دولت مسعود پزشکیان حالا و در ابتدای کار با چالشی مواجه شده که در طول ۲۰ سال گذشته و از زمان دولت هشتم کلید خورده و دامنه آن با وسعت و موانع بیشتری به دولت چهاردهم رسیده است. از این‌رو، هرچند که شخص مسعود پزشکیان نیز مانند رؤسای جمهوری قبلی بر لزوم رفع تحریم‌ها تاکید داشته اما روند قضایا نشان می‌دهد که تداوم مذاکرات هسته‌ای، احیای برجام و در نهایت رفع تحریم‌های مرتبط با موضوع هسته‌ای که ستون فقرات تحریم‌های اقتصادی ایران را تشکیل می‌دهند با توجه به تغییر رئیس‌جمهوری در ایالات‌متحده و نیز تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه، کار چندان ساده‌ای نخواهد بود.

از سوی دیگر و در شرایطی که یکی از راهبردهای ایالات‌متحده در قبال ایران در طول سال‌های گذشته، انزوای بین‌المللی و منطقه‌ای و تبدیل ایران به چالشی برای نظم جهانی بوده قاعداً مواجه شدن دولت چهاردهم با این موضوع مهم هم دارای مسائل و پیچیدگی‌های خاص خود است؛ چراکه سیاست‌گذاری و نحوه برخورد با این موضوع از یک‌سو به پرونده هسته‌ای بازمی‌گردد و از سوی دیگر، نیاز به یک هماهنگی و وفاق داخلی برای خروج از این تله دیپلماتیک دارد؛ امری که اگر بخش دوم آن یک هماهنگی و وفاق داخلی

درخصوص آن محقق شود، در عرصه روابط خارجی و با توجه به تعدد بازیگران حاضر درخصوص این مشکل، عبور از آن هم دشوار و هم زمان‌بر خواهد بود.

همچنین تمامی این موارد که سرریز مشکلات قبلی است، اکنون با وضعیت وخیم امنیتی در خاورمیانه نیز پیوند خورده است. جایی که در طول ۱۱ ماه گذشته و با شروع جنگ غزه، منطقه خاورمیانه را در لبه تیغ یک درگیری فراگیر و گسترده قرار داده است. این مساله زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که اقدامات تروریستی اخیر اسرائیل علیه ایران خود مزید بر تشدید چالش‌ها در حوزه منطقه‌ای و حتی بین‌المللی بوده و مدیریت و خروج از این قضیه را به فوری‌تری استراتژیک برای ایران تبدیل کرده است. در همین رابطه اگر قرار باشد، دولت چهاردهم با چنین قضایای پیچیده‌ای مواجه شود با توجه به اهمیت وقایع باید ابتدا اولویت خود را بر مهار و بازدارندگی در قبال تل‌آویو قرار داده و به صورت همزمان، پرونده هسته‌ای و فشار دیپلماتیک بین‌المللی را نیز پیگیری کند. امری که همزمان با حساسیت فوق‌العاده‌ای که دارند، پازل‌های مختلف آن یک نامعادله را تشکیل می‌دهند که دولت چهاردهم برای حل‌وفصلش نیاز به آرایش داخلی، استراتژی متناسب، تاکتیک کاربردی و در عین حال زمان کافی دارد.

تحریم و باقی‌قضا

نگاهی به چالش‌های سیاست خارجی دولت چهاردهم



اسمه حسن‌پور
عضو سازمان جوانان حزب کارگزاران سازندگی ایران

فردای روزی که مراسم تنفیذ مسعود پزشکیان برگزار شد، اتفاقی در کشورمان رخ داد که سایه جنگ تمام‌عیار را بیش از هر زمان دیگری بر منطقه گستراند. پزشکیان که با شعار تعامل و گفت‌وگو با کشورهای منطقه و جهان کار خود را آغاز کرده بود، حالا و با ترور اسماعیل هنیه در تهران باید متمرکز خود را بر حل این بحران بگذارد و به عنوان رئیس‌شورای عالی امنیت ملی کشور با استفاده از ابزارهای مختلف، هم‌بازارندگی ایران را احیا کند. هم از آغاز جنگ جلوگیری کند و به موازات آن تلاش کند تا جنگ غزه، هرچه سریع‌تر به پایان برسد.

اما فشار از اتفاقات چند ماه گذشته در منطقه، رئیس‌جمهوری ایران با چالش‌های جدی‌تری در حوزه سیاست خارجی مواجه است که در صورت رفع نشدن این موانع، کشورمان از قطار توسعه جهانی به طور کامل عقب می‌ماند. مهم‌ترین چالشی که پزشکیان با آن روبه‌رو است، تاریخ انقضای برجام در مهر ۱۴۰۴ است. در این تاریخ آخرین بند برجام نیز غروب می‌کند و خطر فصل هفتم منشور ملل متحد به طور کامل از سر ایران رفع می‌شود اما اتفاقات چند سال گذشته از زمان خروج آمریکا از برجام تا افزایش میزان غنی‌سازی و کاهش همکاری با آژانس توسط ایران، نشان‌دهنده مسیری است که پایان خوشی برای ایران نخواهد داشت. از همین حالا هم زمره‌هایی مبنی بر فعال شدن مکانیسم ماشه یا اسنپ‌بک توسط

اعضای اروپایی برجام شنیده می‌شود که در این صورت مجدداً باید منتظر تحریم‌های فصل هفتمی شورای امنیت سازمان ملل باشیم. مجلس یازدهم عملاً با تصویب قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها، سنگ بزرگی جلوی پای دولت روحانی گذاشت که دولت ابراهیم رئیسی با وجود همسو بودن با مجلس پیشین و علاقه به احیای برجام، نتوانست کاری از پیش ببرد. پزشکیان باید تمام توان خود را به کار گیرد تا بتواند ضمن همراه کردن ارکان مختلف در داخل کشور، شرکای برجامی خود را نیز از طریق مذاکره و گفت‌وگو، راضی به عدم استفاده از مکانیسم ماشه کند.

دومین معضلی که پزشکیان در میان‌مدت باید آن را حل کند، تلاش رقبای منطقه‌ای ایران برای خفگی ژئوپلیتیک ماست. مهم‌ترین رقابت بین کشورها در عصر حاضر، جنگ کریدورهاست که کشور ما به تدریج درحال حذف شدن از

تمام کریدورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. کریدور IMEC که هند را از طریق امارات، عربستان، اردن و اسرائیل به اروپا وصل می‌کند، کریدور ترنس کاسپین که چین را از طریق قزاقستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه و کریدور CPEC که چین را از طریق سیرلانکا، پاکستان، امارات و عراق به اروپا می‌رسانند و هر دو بخشی از ابتکار کمربند-جاده چین محسوب می‌شوند همچنین جاده توسعه عراق که کریدور ریلی کشورهای حاشیه خلیج فارس را از طریق عراق به ترکیه و در نهایت اروپا متصل می‌کند تنها بخشی از کریدورهای اطراف ما را تشکیل می‌دهند که تلاش می‌کنند حلقه محاصره را دور ایران تنگ‌تر از قبل کرده و کشورمان را به طور کامل دور بزنند. پزشکیان باید با اتخاذ رویکرد تعامل‌گرایانه با همسایگان و قدرت‌های جهانی در شرق و غرب، نقش از دست رفته ایران در کریدورهای منطقه‌ای را

احیا کند و از مزیت ژئوپلیتیک ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای نهایت استفاده را ببرد. تمام این معادلات اما بستگی به این دارد که در گام اول تحریم‌های اقتصادی علیه ایران برداشته شود و در گام دوم ایران تمام کوانسیون‌های FATF را بپذیرد تا موانع ارتباط مالی و بانکی ایران با دنیا رفع شود و کشورهای مختلف ترغیب شوند تا در ایران سرمایه‌گذاری کنند چراکه با وضعیت فعلی حتی کشورهای به اصطلاح دوست همچون چین و روسیه هم تمایلی به سرمایه‌گذاری در ایران ندارند. بنابراین پزشکیان باید تلاش کند تا با اجماع در داخل و اقع در خارج، اولویت‌های ذکر شده در حوزه سیاست خارجی را پیگیری و به سرانجام برساند.





مسیر سخت میراث

درباره سیدرضا صالحی امیری و چالش‌هایی که در وزارتخانه میراث فرهنگی و گردشگری با آنها روبه‌رو است

گروه اجتماعی: نام سیدرضا صالحی امیری که به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت ورزش در دولت روحانی خیرساز شد، حالا در میان لیست کابینه مسعود پزشکیان به عنوان وزیر پیشنهادی برای وزارت گردشگری و میراث فرهنگی آمده است. مردی که الیاس نادران او را سال ۹۲، «مشایی برای روحانی» خوانده بود، کیست و چه کارنامه تحصیلی، مدیریتی و سیاسی دارد؟

سیدرضا صالحی امیری از طرف مسعود پزشکیان به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت گردشگری و میراث فرهنگی برای دولت چهاردهم معرفی شده است. نامی که در مرداد سال ۱۳۹۲ نیز بر سر زبان‌ها افتاد و تا قبل از آن کمتر در بین مردم شناخته شده بود. چهره‌ای که گفته می‌شود در دهه ۶۰ و ۷۰ معاون ویژه وزارت اطلاعات بوده است.

چالش‌های سیدرضا

اما پیش از این که بدانیم صالحی امیری کیست باید تصویری از وزارتخانه میراث فرهنگی داشته باشیم. سکان این وزارتخانه به زودی به دست سومین وزیری سپرده می‌شود که از زمان تاسیس این وزارتخانه در رأس آن قرار می‌گیرد. هر کسی که مسئولیت وزارتخانه سیاسی شده میراث را بر عهده بگیرد با انبوهی از چالش‌ها و درخواست‌های صنفی مواجه می‌شود که از همان روز نخست روی میز او قرار می‌گیرد.

سازمانی که از سال ۱۳۸۵ با ادغام چند سازمان و زیرمجموعه وزارتخانه‌های مختلف تشکیل شده بود، در دولت دوازدهم و در سال ۱۳۹۸ به وزارتخانه تبدیل شد. علی‌اصغر مونسان که تا پیش از تشکیل این وزارتخانه، آخرین رئیس سازمان میراث فرهنگی بود، لقب نخستین وزیر را نیز به خود گرفت و تا سال ۱۴۰۰ این مسئولیت را بر عهده داشت. او با آغاز به کار دولت سیزدهم جای خود را به سیدعزت‌الله ضرغامی داد. حالا که او با پایان زود هنگام دولت پیشین باید سکان هدایت وزارتخانه میراث فرهنگی را بر نرفته بعدی بسپارد با مشکلات زیادی مواجه است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم.

بازار راکد صنایع دستی و گردشگری

در حوزه صنایع دستی و حتی محصولی ایرانی که شهرت جهانی دارد، یعنی فرش اوضاع خوب نیست. محصولاتی که می‌توانند هم نماد فرهنگی ایران باشند و هم درآمد ارزی نصیب کشور کنند، این روزها بازار داخلی و خارجی مناسبی ندارد. بخشی از مساله به چالش‌های اقتصادی و درآمد مردم در داخل و بخشی نیز به تحریم‌های بین‌المللی بازمی‌گردد. هم‌زمان بی‌توجهی به نیازهای بازار و نساوری در طراحی و تولید محصولات، باعث کاهش تقاضا و رقابت‌پذیری این صنعت شده است. همچنین تولیدکنندگان صنایع دستی در بسیاری از استان‌ها با مشکل بستن‌بندی مواجه هستند که این موضوع گاه منجر به عدم استقبال خریداران می‌شود.

تخریب آثار

کمبود آگاهی عمومی و ناآگاهی مردم و مسئولان نسبت به اهمیت میراث فرهنگی و ضرورت حفاظت از آنها، یکی دیگر از چالش‌های اصلی این حوزه محسوب می‌شود. کشور با کمبود بودجه برای حفاظت و مرمت آثار تاریخی و فرهنگی خود مواجه است. از سوی دیگر تخریب و تغییر کاربری آثار تاریخی نیز شرایط را سخت‌تر کرده است و برخی از آثار تاریخی نیز به دلیل توسعه شهری و نبود نظارت کافی، تخریب می‌شوند یا تغییر کاربری می‌دهند.

کاهش گردشگران

در نگاهی کلی کمبود بودجه، کاهش چشمگیر آمار گردشگران داخلی و خارجی و نبود زیرساخت‌های لازم و متناسب با ظرفیت‌ها، سوداگری‌ها، طرح‌های غیرکارشناسی و کاوش‌های غیرقانونی که در حوزه میراث فرهنگی رواج دارد و روند طولانی و پریچرخم دریافت مجوزهای گردشگری از چالش‌های مهمی است که در سطح ملی و استانی پیش‌روی این وزارتخانه قرار دارد. در عین حال، سرمایه‌گذاری‌هایی نیز برای ساخت تاسیسات گردشگری در استان‌های مختلف انجام شده که سرمایه‌گذاران توجهات اقتصادی و ظرفیت گردشگری منطقه را در نظر نگرفته‌اند یا شرایط در طول اجرای پروژه تغییر کرده است و در نتیجه، اکنون با بحران درآمد مواجه‌اند. با این اوصاف هر شخصی که مسئولیت وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را بر عهده بگیرد، گام در مسیر سختی گذاشته است.

چهره مخدوش بین‌المللی

تحریم‌های بین‌المللی در حوزه تکنولوژی، حمل‌ونقل و مرادوات همچنین توصیه وزارت خارجه بسیاری از کشورهای غربی و برخی کشورهای آسیایی به سفر نکردن به ایران از دیگر چالش‌های این حوزه است. به اضافه اینکه ضعف آموزش و خروج نیروی انسانی متخصص صنعت گردشگری در سال‌هایی که بحران‌های متعدد اجتماعی و سیاسی و بهداشتی دام‌گیر صنعت گردشگری بوده، تصویر بین‌المللی مخدوش شده و نبود حس امنیت برای سفر به ایران و نگرانی از بابت دستگیری در بین گردشگران بالقوه از چالش‌های جدی حوزه گردشگری است. خارج شدن سفر از سبب خانوارها به دلیل مشکلات اقتصادی مردم و تعطیلی یا غیراقتصادی بودن بوم‌گردی‌ها به دلیل فقدان گردشگران ورودی و کاهش اقامت گردشگران داخلی در اقامتگاه‌های مجاز از دیگر چالش‌های جدی



وزیر انتخابی خواهد بود. همچنین مهاجرت راهنمایان گردشگری، جایگاه و رتبه پایین ایران در بازارهای بین‌المللی سفر و بودجه ناچیز تبلیغات گردشگری از دیگر چالش‌های این حوزه در سطح ملی به شمار می‌آید.

کمبود مراکز رفاهی

در حال حاضر بسیاری از استان‌ها با کمبود مراکز رفاهی و خدمات گردشگری مدرن مواجه‌اند. همچنین تبلیغات ناکافی و ضعف در برندسازی نیز از چالش‌های مهم این حوزه است. بسیاری از مناطق گردشگری استان‌ها به خوبی معرفی نمی‌شوند و توریست‌های داخلی و خارجی از آنها بی‌اطلاع‌اند. برخی از آنها حتی بودجه کافی برای چاپ یک کتابچه را هم ندارند. در کنار این موضوع بسیاری از استان‌ها با چالش کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص در زمینه مدیریت و بازاریابی گردشگری مواجه‌اند و باید دانش‌آموختگان این رشته‌ها را در ادارات کل استانی به کار گرفت.

پیدا و پنهان صالحی امیری

صالحی امیری متولد چهاردهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ در شهرستان بابل، شهر امریکلاست. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در همان شهر گذراند و با شروع جنگ ایران و عراق عازم جبهه شده است. هم‌زمان تحصیل در دانشگاه را آغاز کرد و بعد از اخذ مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس در رشته علوم سیاسی، دکتری در رشته مدیریت گرفته و تدریس در دانشگاه را آغاز کرده و در سال‌های بعد به عنوان دانشیار به عضویت هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات درآمد.

نخستین حضور علنی صالحی امیری در دنیای سیاست در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بود، وقتی به عنوان معاون فرهنگی ستاد حسن روحانی بود و نماینده فرهنگی او در بحث‌ها و مناظرات انتخاباتی فعال شد.

پس از اینکه مسعود سلطانی‌فر به عنوان وزیر پیشنهادی روحانی توانست برای تصدی وزارت ورزش را با اعتماد نمایندگان مجلس را کسب کند؛ روحانی در مرداد سال ۱۳۹۲ طی حکمی سیدرضا صالحی امیری را به عنوان سرپرست وزارت ورزش و جوانان منصوب کرد و مهرماه همان سال نیز او را به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت ورزش و جوانان به مجلس معرفی کرد. جلسه رای اعتماد به صالحی امیری به شدت پرتش و پرخبر برگزار شد.

در جلسه علنی مجلس که در تاریخ ۵ آبان ۹۲ به منظور بررسی صلاحیت سه وزیر باقی‌مانده از کابینه یازدهم تشکیل شده بود بعد از استماع نظرات موافقان و مخالفان و نیز دفاعیات وزرای پیشنهادی، نمایندگان مجلس نهم به رضا صالحی امیری وزیر پیشنهادی دولت برای تصدی وزارت ورزش و امور جوانان رای اعتماد ندادند و صالحی امیری از مجموع ۲۶۱ رای مأخوذه نمایندگان با ۱۰۷ رای موافق و ۱۴۱ رای مخالف و ۱۳ رای ممتنع موفق نشد، رای اعتماد مجلس را به دست آورد و از راهیابی به کابینه یازدهم بازماند. بسیاری نطق الیاس نادران نماینده مخالف با صالحی امیری را در عدم موفقیت وی برای کسب رای اعتماد عامل اصلی بازماندن وی از کابینه می‌دانند.

الیاس نادران در جلسه بررسی رای اعتماد به صالحی امیری در مخالفت با او نطق کرد و مدعی شد که صالحی امیری در پرونده فساد در بیمه ایران از مجرمان این پرونده رشوه گرفته است.

در سال‌های بعد صالحی امیری، ادعاهای نادران را مورد شکایت قرار داد و نادران در دادگاه محکوم شد. او در سال ۹۷ درباره محکومیت نادران در دادگاه گفت: «حکم زندان نادران در تجدیدنظر تأیید و قطعی شده، به اجرای احکام رفته است، ولی آدرسی که آقای نادران داده طرف گران است که نشان می‌دهد، سیاست اخلاقی یعنی چه؟ این را باید مردم بدانند، کسانی که ادعای انقلابی‌گری دارند، حالا که به قانون رسیدند آدرس جعلی می‌دهند و این برای سیاسیون فاجعه است. وی همچنین گفت: در دادگاه باز هم ثابت شد، حرف‌های آقای کریمی قدوسی به نقل از آقایان نادران و توکلی بود. حرف‌هایی که مشخص شده بود، حقیقت ندارند و آقای کریمی قدوسی هم از من طلب حلالیت کرد. من قبول کردم اما آقای نادران حاضر به عذرخواهی کتبی نشد و در دادگاه محکوم به ۱۰ ماه حبس شد».

صالحی امیری بعد از عدم کسب رای اعتماد در سال ۱۳۹۲ با حکم حسن روحانی به عنوان رئیس مرکز کتابخانه ملی مشغول به کار شد. سه سال بعد پس از استعفای علی جنتی در ۲ آبان ۱۳۹۵ و به‌عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مجلس معرفی و در تاریخ ۱۱ آبان ماه سال ۱۳۹۵ توانست با ۱۸۰ رای موافق، ۸۹ رای مخالف و ۶ رای ممتنع از مجلس رای اعتماد بگیرد.

در اردیبهشت ۱۳۹۶ در روز برگزاری انتخابات ریاست جمهوری فیلمی در شبکه‌های مجازی منتشر شد که صالحی امیری با حضور در پای صندوق رای در حسینیه جماران در گفت‌وگو با یک خبرنگار، رقیب انتخاباتی حسن روحانی را خشونت طلب و جزم‌اندیش و حامیان دولت را طرفدار عقلانیت و آزادی می‌خواند و در پاسخ به این سوال خبرنگار که عنوان می‌کند: «در روزهای اخیر خواننده‌ای با آقای رئیسی دیدار داشتند (اشاره به امیر تللو) و موجی فضای مجازی را در بر گرفت، نظر شما در این باره چیست؟» می‌گوید: «این یک طنز انتخاباتی است. این یک شوخی است، من به کاندیدای عزیز که در صحنه رقابت است، پیام می‌دهم که اگر واقعاً نیاز به حمایت هنرمندان داشتید به من پیام می‌دادید و من برای شما می‌فرستادم». خبرنگار پس از پاسخ وی می‌پرسد: «جدی می‌گوید یا شوخی می‌کنید؟» و صالحی امیری پاسخ می‌دهد: «نه جدی می‌گویم!»

در پی این اظهارات، شماری از هنرمندانی که در انتخابات از حسن روحانی حمایت کرده بودند از جمله کیورث پورا احمد، سعید سهیلی، رضا ایرانمنش، مسعود جعفری‌جوزانی و رضا کبانیان سخنان صالحی امیری را نگاه ایزاری و توهین به هنرمند تلقی کرده و بعضاً خواستار عذرخواهی نامبرده شدند. پس از حواشی پیش آمده، وزیر ارشاد فردای آن روز با صدور بیانیه‌ای نسبت به دلخوری‌های پیش آمده، عذرخواهی کرد و مصاحبه روز گذشته را یک مصاحبه طنزگونه خواند.

چند روز پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم و اعلام پیروزی مجدد حسن روحانی، صالحی امیری به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه نشست کابینه نامه‌ای را به عبدالعلی علی‌عسکری، رئیس صداوسیما داد و در آن خواستار بخش مناجات ربی‌نا محمدرضا شجریان در ایام ماه مبارک رمضان شد. قبلاً حسن روحانی در اولین مناظره انتخاباتی همان سال به عدم بخش مناجات مزبور در تلویزیون اعتراض کرده بود.

صالحی امیری علاوه بر این در مشاغلی همچون رئیس کمیته اجتماعی شورای عالی امنیت ملی، عضو هیات‌رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، معاون بررسی‌های استراتژیک، عضو هیات امنای موسسه مطالعات راهبردی، مشاور رئیس جمهور در دولت سیدمحمد خاتمی، عضو شورای اجتماعی کشور و عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت خدمت کرد.

وی همچنین به مدت ۸ سال معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام را در کارنامه خود دارد. صالحی امیری همچنین به عنوان مدیر مسئول و سردبیر در نشریات و موسسات علمی همچون موسسات مطالعات سیاسی، مطالعات راهبردی، فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی و نشریه علمی پژوهشی مدیریت فرهنگی عضویت داشته است. در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۹۶ محمدعلی نجفی، شهردار تهران صالحی امیری را به سمت قائم‌مقام و معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران منصوب کرد. وی در ۲۹ دی ۱۳۹۶ از سمت معاونت شهرداری تهران استعفا کرد و محمدعلی نجفی استعفا او را پذیرفت.

بهداشت و درمان

دفاع مرندي از ظفرقندی

آمادگی فرهنگستان علوم پزشکی برای کمک به وزیر بهداشت دولت چهاردهم



رئیس فرهنگستان علوم پزشکی ایران در نامه‌ای به وزیر پیشنهادی بهداشت، درمان و آموزش پزشکی آمادگی این نهاد علمی برای مشاوره، همفکری و همکاری با وی در حوزه‌های مرتبط با نظام سلامت را اعلام کرد.

علیرضا مرندی در نامه‌ای به محمدرضا ظفرقندی، وزیر پیشنهادی بهداشت ضمن اعلام آمادگی فرهنگستان علوم پزشکی برای مشاوره و همکاری و همفکری درخصوص موضوعات مرتبط با سلامت، موفقیت وی را در مأموریت مهم واگذار شده (وزارت بهداشت) و خدمت به مردم ایران از خداوند متعال خواستار شد.

وی به همراه این نامه نقطه‌نظرات فرهنگستان علوم پزشکی با عنوان «جایگاه سلامت در دولت چهاردهم» و «معیارهای پیشنهادی فرهنگستان علوم پزشکی در انتخاب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» را در اختیار ظفرقندی قرار داد. این نظرات پیش‌تر برای نامزدهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و نیز مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ارسال شده بود.

محمدرضا ظفرقندی، زاده ۱۳۳۷ در تهران که از سوی رئیس‌جمهور به عنوان وزیر پیشنهادی دولت چهاردهم برای وزارت بهداشت و آموزش پزشکی به مجلس شورای اسلامی معرفی شد، یک پزشک و سیاستمدار است که از ۳ اسفند ۱۳۹۷ تا ۱۰ مهر ۱۴۰۰ در اوج همه‌گیری کووید ۱۹ رئیس سازمان نظام پزشکی ایران بود.

وی فوق‌تخصص جراحی عروق و استاتدمام دانشگاه علوم پزشکی تهران است؛ وی اکنون دبیرکل انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران را بر عهده دارد. ظفرقندی در شهر تهران متولد و بزرگ شده محله سرچشمه است. دوران ابتدایی تا دبیرستان را در مدرسه علوی به آموختن پرداخت و در سال تحصیلی ۱۳۵۴-۱۳۵۵ فارغ‌التحصیل شد. پس از آن به دبیرستان مفید رفت تا به امر معلمی بپردازد. وی هم‌زمان با معلمی در سال ۱۳۵۵ در رشته پزشکی دانشگاه تهران قبول و ادامه تحصیل داد.

وی برای کمک به مصدومان جنگ به عنوان جراح داوطلب به جبهه جنگ ایران و عراق اعزام شد. پس از بازگشت از جنگ و اتمام دوره دستیاری جراحی در دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۶۸ به درجه استادیاری نائل سپس در سال ۱۳۷۰ دوره فلوشیپ جراحی عروق و تروما را در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی آغاز کرد، رشته‌ای که ثمره آن راه‌اندازی بخش جراحی عروق در سال ۱۳۷۴ در دانشگاه علوم پزشکی تهران شد.

ظفرقندی در سال ۱۳۷۴ موفق به راه‌اندازی مرکز تحقیقات تروما در بیمارستان سینا شد و در سال ۱۳۸۳ به درجه استادتمامی دانشگاه نائل شد.

آگهی مفقودی

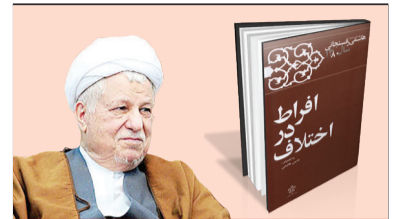
سند مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری شخصی پژو پارس مدل ۱۳۸۵ رنگ مشکی متالیک شماره موتور: ۱۲۴۸۴۲۳۳۵۰۴ شماره شاسی: ۱۹۳۳۹۸۰۱ شناسه خودرو (VIN): IRFC1۹۱۷۱۱۹۳۳۹۸۰۱ شماره پلاک ایران ۱۱ - ۷۹۹ - ۴۲ به نام علیرضا هاشمی بهرامی به شماره ملی ۰۴۵۳۵۲۴۳۲۱ نام پدر محسن مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی راه، امیراقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرن‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۹۱۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۶۶

ادامه سه‌شنبه ۲۲ خرداد
گزارش کتبی وزارت کشور از تعداد آرا
شب، میهمان رهبری بودم. گفتند، جمعه شب در حالی که وزارت کشور، گزارش کتبی تعداد آرا را داده بود، شورای نگهبان می‌گفت، تعداد چهار میلیون کمتر است؛ گویا وارد کامپیوترشان نشده بوده و هنوز هم می‌گویند، صدها هزار رأی کمتر است و احتمال تقلب وجود دارد اما سندی نداریم. گفتند، دیشب به آقای خامنی گفته‌اند که باید در این دوره برای متدین کردن مردم و جلوگیری از بی‌بندوباری، جلوگیری از هیجان‌های سیاسی و نیز اشتغال، کم کردن فاصله طبقاتی فقیر و غنی و نوسازی صنایع، کنار زدن افراد ناپاب از تصمیم‌گیری‌ها و مشاورت اقدام نماید. از مصوبه مجلس در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی انتقاد داشتند و گفتند، شورای نگهبان رد می‌کند و نیز موافق طرح تحقیق و تفحص از صداوسیما نیستند که بناست در مجلس مطرح شود.

چهارشنبه ۲۳ خرداد دیدار با سفیر فلسطین

آقای [صلاح] زراوی، سفیر فلسطین [در تهران] آمد. شرحی درباره وضع جاری منطقه داد و گفت، به وضع خطرناکی رسیده است. [آریل] شارون، نخست‌وزیر اسرائیل نتوانسته به وعده امنیت عمل کند و مردم اسرائیل، او را تحت فشار دارند و در مقابل افکار عمومی جهان برای خودداری از فشار بر مردم فلسطین به او فشار وارد می‌کند. حضور جورج تست، [رئیس سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)] از آمریکا در منطقه و پیشنهاد او مبنی بر گزارش [جورج] میچل، [رئیس گروه حقیقت‌یاب]، به صورت مشروط مورد قبول اسرائیل و دولت خودگردان قرار گرفته اما شرط‌های دو طرف برای طرف دیگر قابل قبول نیست و احتمال موفقیت تست، کم است و در صورت شکست تلاش‌ها ممکن است، اسرائیل فشار زیادی بر فلسطینی‌ها وارد کند و اقدام به اخراج فلسطینی‌ها از کل اسرائیل و کرانه غربی و غزه کند؛ در این صورت خطر درگیری نظامی در منطقه زیاد می‌شود. درخواست کرد که ایران، قدم‌های مؤثرتری بردارد.

عصر، آقایان [محمدعلی] صدوقی، [معاون پارلمانی رئیس‌جمهور] و [محمدعلی] ابطی، [رئیس دفتر رئیس‌جمهور] آمدند و برای حل مشکلات سیاسی که بین جناح‌ها وجود دارد و نیز تفاهم بیشتر بین رهبری و رئیس‌جمهور استمداد کردند و برای شیوه کار مشورت کردند. گفتم، ضرورت دارد که دولت در وضع معاش مردم و آرامش جامعه و جلوگیری از فساد تلاش کند. دیروز اعلام شد که دولت عربستان سعودی، خطوط لوله نفت عراق که از طریق خاک سعودی به دریای سرخ رفته را به عنوان غرامت تجاوزهای عراق در اواخر جنگ با ایران، تصاحب کرده است؛ عراق برای نجات از وابستگی به خط لوله ترکیه و سوریه و خلیج فارس، این خطر را احداث کرد اما با تحریم نفتی نتوانست از آن استفاده‌ای کند.

در افغانستان، اسماعیلخان، [والی سابق هرات]، جبهه جدیدی در جنوب هرات و نیز استان‌های جنوبی علیه طالبان باز کرده است. لیلا پهلوی، دختر کوچک [محمدرضی] شاه در هنتی در لندن به علت شناخته نشده‌ای فوت کرده است. در حادثه واژگون شدن کامیونی در راه زاهدان - کرمان ۴۷ نفر فوت کرده‌اند و اکثرشان افغانی‌اند. دیروز و امروز در تهران و نقاط دیگر کشور، باران خوبی داشتیم.

قتل پدر، فراری دادن دختر

سالروز قتل رهبر بنگلادش توسط نظامیان ارتش



نیره خادمی
گروه تاریخ

بنگلادش ۱۵ آگوست سال ۱۹۷۵ وقتی هنوز خیلی نو یا و جوان بود، در یک کودتای نظامی بنیان‌گذار خود را از دست داد. نظامیان، شیخ مجیب‌الرحمان را به همراه خانواده‌اش کشتند، اگرچه دو دختر او توانستند، جان سالم به در ببرند اما ۴۹ سال بعد و در همین اواخر سرنوشت دختر بزرگ شیخ نیز با فرار از این کشور گره خورد. به دنبال تشکیل کشور پاکستان و تحمیل زبان اردو بر جمعیت بنگالی‌زبان در پاکستان شرقی توسط دولت در سال ۱۹۵۲ در پاکستان شرقی نهضت زبان مادی شکل گرفت. در این نهضت، شیخ مجیب‌الرحمان به عنوان رهبر ظاهر شد و برای حقوق دموکراسی مبارزه کرد. او را پدر بنگلادش می‌نامیدند. حدود ۵۰ سال پیش سرانجام او توانست، تاریخ این کشور را برای همیشه تغییر دهد و این کشور که با پیش از آن به مدت ۲۴ سال، پاکستان شرقی نامیده می‌شد را به استقلال برساند. فعالیت رهبر جدایی‌طلبان پاکستان شرقی از سال‌ها پیش آغاز شده بود و



در سال ۱۹۷۱ سرانجام به یک قیام مسلحانه انجامید. مجیب‌الرحمان ۲۶ مارس سال ۱۹۷۱ و ۷ سال پیش از انقلاب در ایران، استقلال از پاکستان را اعلام کرد و این اقدام جنگ بنگلادش را رقم زد. به دنبال کمک هند به قیام‌کنندگان

و فرستادن نیرو به این کشور نهایت ۱۷ دسامبر همان سال و چند ماه پس از تسلیم شدن نیروهای فرماندهی شرقی پاکستان یک معاهده صلح به امضا رسید. ماه عسل شیخ عبدالرحمان خیلی زود و در ۵۵ سالگی به پایان رسید. پانزدهم آگوست سال ۱۹۷۵ در بنگلادش کودتای نظامی روی داد و افسران دو پایه ارتش این کشور در یک توپنه همه‌جانبه، بنیان‌گذار بنگلادش را به همراه اعضای خانواده و کارکنان دفترش به قتل رساندند و دولت تغییر یافت. از آنجایی که شیخ حسینبه واجد، شیخ ریحاننا دو دختر او در مسافرت اروپا بودند از این مهلکه جان سالم به در بردند. دو سال پس از کشته شدن شیخ عبدالرحمان، کودتای دیگری رخ داد و به واسطه آن ژنرال ضیاء‌الرحمان روی کار آمد. مدتی گذشت حسینبه واجد، دختر شیخ مجیب به

ادامه تیتربیک

گلدیاتور تنها

در نهایت نامش به عنوان وزیر پیشنهادی اقتصاد به مجلس داده شد.

برنامه‌های همتی

عناوینی چون کنترل تورم و ثبات‌بخشی به اقتصاد، رشد اقتصادی فراگیر و اشتغال‌زای، مبارزه با فساد و افزایش شفافیت، عدالت‌گستری و کاهش فقر و شکاف درآمدی، گسترش تعامل سازنده با اقتصاد جهانی و رشد سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد، تعامل سازنده با اقتصاد جهانی مهم‌ترین و اثرگذارترین مورد در میان این راهبردهاست.

در بخشی از این گزارش، اشاره می‌شود که «کشور در سال‌های اخیر در غرض‌های اقتصادی عمدتاً به دلیل دو عامل عمده تحریم و حکمرانی نامناسب، شرایطی دشوار و بحرانی داشته است». به واسطه این دو عامل اثرگذار، کشور «با مشکلاتی از قبیل رشد اقتصادی پایین و بی‌ثبات، تداوم تورم بالا و بی‌ثباتی اقتصاد کلان، تشدید نابرابری در توزیع درآمد و ثروت در سال‌های اخیر، تداوم کسری تجاری غیرنفتی، سهم پایین تأمین مالی کشور از محل سرمایه‌گذاری خارجی و بازار سرمایه، نرخ بیکاری بالا و مشارکت اقتصادی پایین، کاهش شدید ارزش پول ملی، تشدید ناترازی‌های جدی در حوزه‌های مختلف و از جمله شبکه بانکی، پایین بودن نرخ پس‌انداز، نرخ پایین تشکیل سرمایه و کاهش سرمایه‌گذاری و مستهلک شدن سرمایه‌های فیزیکی و زیرساخت‌ها و ادامه تحریم‌های ظالمانه مواجه بوده و این امر روند رشد و توسعه اساسی کشور را به شدت متاثر کرده است».

همتی و چالش مجلس

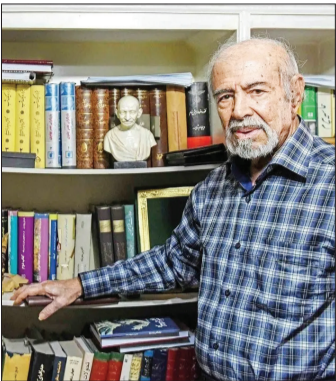
همتی، اقتصاد خوانده و سیاستمداری اهل مبارزه است. یکی از ویژگی‌های او سرسخت بودن است اما همین ویژگی گاه او را دچار خطای محاسباتی می‌کند. اگر موضوعی از نظر او درست باشد، پای آن می‌ایستد و به هیچ عنوان کوتاه نمی‌آید اما موضوع این است که گاهی موضوع به زعم او درست، خطای بزرگی است که همتی بر اجرای آن اصرار می‌ورزد. با همه اینها قواره همتی از وزارت اقتصاد هم بزرگتر است.

همان‌طور که اشاره شد، عبدالناصر همتی و عباس عراقچی سرجهازی کابینه مسعود پزشکیان هستند و به احتمال زیاد برای گرفتن رأی اعتماد، مشکل زیادی نخواهند داشت. با این حال همتی در مجلسی که نمایندگان جبهه پایداری صحنه‌گردان آن هستند، چالش جدی خواهد داشت. اغلب نمایندگان مجلس در زمره هواداران سیدابراهیم رئیسی هستند و قطعاً به تلافی سه سال نقد جدی همتی بر اقتصاد رئیسی، زیر دو خم او را می‌گیرند. اگر همتی موفق شود از چالش مجلس اصولگرا سالم خارج شود که هیچ، در غیر این صورت به احتمال زیاد او راهی بانک مرکزی می‌شود و مسعود پزشکیان فرد دیگری را برای تصدی وزارت اقتصاد معرفی خواهد کرد.

مجله‌گردی

علت یا معلول؟

بخشی از نامه ر. اعتمادی به سیداحمد خمینی



رجبعلی اعتمادی، مشهور به ر. اعتمادی نویسنده، رمان‌نویس و روزنامه‌نگار ایرانی در سال ۵۸ در واکنش به گفت‌وگوی سیداحمد خمینی با یکی از رسانه‌ها نامه‌ای به او نوشت و نسبت به حوادث پیش آمده در ماه‌های نخست انقلاب ابراز نگرانی کرد. در این نامه که مهرماه سال ۵۸ در مجله « جوانان امروز» از ر. اعتمادی به عنوان سردبیر این مجله منتشر شده، آمده است: «نیروی عشق‌انگیز متبارک است که مرا بر آن داشته تا به اتکای جملاتی که شما بر ضد خشونت‌ها آزارها و شلاق زدن‌ها می‌شود بر زبان رانده‌اید از شما بخواهم استمداد کنم که نه در یک مصاحبه در مرکز قم بلکه شهر به شهر بگردید، بنشینید و سخن بگویید و نگذارید خشونت و اعمال بی‌منطقی و ضدانسانی را، چون مشت‌های خاک در چشم مردم بریزند. آقای سیداحمد خمینی! هدف انقلاب به راستی چه بود؟ مطمئناً شما و هر آدم منصفی تأکید می‌کنند که هدف تصرف قدرت سیاسی و جابه‌جایی چند نفر نبود اما گروهی امروز وظیفه خود را با به دست گرفتن قدرت سیاسی پایان یافته می‌دانند و با سکوت خویش به آتش‌افروزان خشم و کینه و نفرت مجال و فرصت می‌دهند تا هر اسبی خواستند بتازانند، هر کس که دم دست‌شان رسید به شلاق ببینند، هر زن و مردی را به جرم انحراف حتی به جرم مصرف ماده مخدر به جوخه اعدام بسپارند و تصفیه حساب خصوصی کنند چنانکه کردند و شما بیشتر و بهتر از من گزارش آن را دارید و شاید هم هدفی فراتر از تصفیه حساب‌های شخصی دنبال می‌کنند و آن گل مالیدن و سیاه کردن چهره انسانی اسلام است، چهره‌ای که ما ایرانیان به قول و تایید استاد مطهری در ساختمان آن نقش مؤثری داشتیم. مدت‌هاست که یک‌که و تنها فریاد می‌زنم خشونت کافی است، نظافت جسم و روح اسلام را با درست کردن صحنه‌هایی چون شلاق زنی نیالایید، ولی تنها هستم و دست تنها صدا ندارد. شما خوب گفته‌اید که «اگر تو به جای ساختن در اندیشه و تلاش نایود کردن باشی و با تمام قدرت آن را بپوی این را بدان که خیلی بدتر و خطرناک‌تر سر از جای دیگر درخواهید آورد.» همان‌طور که شما گفتید این درس اول جامعه‌شناسی است که علت را از بین ببرید، معلول از بین می‌رود، اما چگونگی این مدعیان شلاق برداشته و خودسرانه به جان «معلول» افتاده‌اند؟ این همه کتاب، این همه بحث و فحص در حوزه‌های علمیه، این همه آثار درخشان فرهنگ اسلامی غیر از این می‌گوید. دست‌هایی در کار است که می‌خواهد به هر ترتیب به چنین شیوه‌ای که مورد اعتراض شما و ما قرار گرفته، ادامه دهد». او در پایان این نامه از سیداحمد خمینی خواسته است تا مردم را از خشونت برحذر کند: «در گوش آنها فریاد بزنید که اسلام دین رحمت است، دین ریشه‌یابی است. به قول شما علت را بیاییم نه معلول را».